

مصونیت پارلمانی در حقوق کیفری

محمد جعفر حبیب زاده^{۱*}، سید درید موسوی مجاب^۲

۱- دانشیار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

ضرورت صیانت از نهاد پارلمان و اعضای آن سبب گردیده تا امتیاز ویژه‌ای تحت عنوان مصونیت پارلمانی در قوانین اساسی یا عادی اغلب کشورها تعیین و تضمین شود. این تأسیس قانونی به منظور تأمین آزادی بیان و حفظ استقلال نمایندگان، در راستای انجام و ایفاء مطلوب وظایف پیش‌بینی شده است. در توجیه و تبیین فلسفه وجودی آن، نظریه‌های مختلفی همچون «نظریه حسن خدمت» و «اعتبار شخصیت حقوقی نمایندگان» ارائه گردیده است. در این زمینه، «دکترین ضرورت» به عنوان مهمترین مبنای نظری مطرح می‌شود.

حمایتهای قانونی ناظر بر مصونیت پارلمانی در دو صورت کلی با آثار و اوصاف متمایز قابل بررسی است؛ صورت اول، مبین بهره‌مندی نمایندگان از مصونیت در قبال اظهارات، آرا و عقاید مطرح شده به سبب ایفاء وظایف نمایندگی است که در اصطلاح «اصل عدم مسئولیت» نامیده می‌شود. صورت دوم، نمایندگان را جز به تجویز پارلمان مربوط در برابر پیگردهای قانونی، توقیف، حبس و سایر اقدامات قضایی به جهت اعمال غیر مرتبط و خارج از حدود وظایف نمایندگی حمایت می‌کند و مانع از امکان تعقیب فوری آنها به سبب جرائم انتسابی می‌شود. این نوع از مصونیت که در حقیقت دنباله منطقی عدم مسئولیت نمایندگان در قبال وظایف پارلمانی است، اصل تعرض ناپذیری نام گرفته است.

موضع هر یک از کشورهای جهان در ارتباط با صور مصونیت پارلمانی تا حدی متفاوت است. در برخی کشورها فقط یکی از این دو صورت پذیرفته شده و در برخی دیگر، هر دو صورت به منظور تضمین کامل مصونیت نمایندگان به رسمیت شناخته شده است. به ترتیب از این رویکردها به عنوان رویکرد تفریدی و رویکرد تلفیقی یاد می‌شود. در ایران، رویکرد نخستین مبنی بر عدم مسئولیت نمایندگان به سبب اظهارات، در قالب اصل ۸۶ ق.ا. پذیرفته شده است. صحت این پذیرش از منظر فقه پویا قابل تأیید است و مصالح و ضرورتهای حادث، مقتضای همگامی با سایر کشورهای پذیرنده اصل مصونیت پارلمانی است.

* نویسنده عهده دار مکاتبات



کلید واژه‌ها: مصونیت پارلمانی، نظریه حسن خدمت، دگرترین ضرورت، اصل عدم مسئولیت و اصل تعرض ناپذیری.

۱- مقدمه

پیش‌بینی اصل مصونیت پارلمانی در کنار سایر اصول قانون اساسی کشورها و اهتمام روز افزون قانونگذاران به این اصل، گویای جایگاه ویژه آن در جامعه جهانی است. این اصل اساسی که به نحو شایسته‌ای از امنیت حرفه‌ای و سلامت خاطر نمایندگان حمایت می‌کند، از ماهیت حقوقی متمایزی نسبت به سایر تأسیسات حقوقی برخوردار است و بر مبنای نظری استواری تکیه دارد. حقوقدانان به منظور اثبات ضرورت بهره‌مندی نمایندگان از مصونیت، توجیهات و استدلالهای منطقی بسیاری مطرح کرده‌اند که هر یک از آنها به سهم خود در سوق دادن اندیشه قانونگذار هر کشور به اهمیت اصل مذکور تأثیر گذار بوده است. در مقابل این گروه، عده‌ای تلاش داشته‌اند که با توسل به دلایلی همچون اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تساوی اشخاص در قبال قانون، فلسفه تشریع قوانین جزایی در راستای صیانت از نظم عمومی و حیثیت خصوصی افراد و فقد صبغه شرعی و مبنای متقن فقهی، مصونیت پارلمانی نمایندگان را با اشکال مواجه کنند؛ ولی در عمل موفق نبوده‌اند.

به هر حال، با وجود مخالفتهای پراکنده، گرایش غالب در اکثر کشورها در مسیر تأیید و اثبات بیش از پیش مصونیت اعضای مجالس پارلمانی جهت گیری نموده است، به گونه‌ای که حتی کشورهایی که پیشتر به شکل محدود از نمایندگان حمایت می کرده‌اند، در دهه‌های اخیر برگسترش دامنه اصل مصونیت نظر داشته و رویکردی جامع گرایانه مبنی بر پذیرش هر دو صورت مصونیت (عدم مسئولیت و عدم تعرض) اتخاذ نموده‌اند. بررسی روند رویکرد قانونی نظامهای پارلمانی در ادوار اخیر، صحت این موضوع را به تأیید می رساند.

در کشور ایران، به دلیل ظهور اندیشه‌های اسلام گرایانه پس از انقلاب، مصونیت پارلمانی در مقایسه با رژیم قانونی حاکم بر این تأسیس حقوقی در قبل از انقلاب، شکل محدودی به خود گرفت و تنها مصونیت نمایندگان در قبال آرا و اظهارات پذیرفته شد. این دامنه محدود از مصونیت نیز آن قدر با موانع و تضییقات روپرو گردیده است که در واقع، شناسایی حق مصونیت قانونی به معنای واقعی را برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی در پرده ابهام فرو برده است. تنشهای گسترده‌ای که در حوزه شناسایی یا عدم شناسایی این حق از سوی موافقان و مخالفان ایجاد شده، ناشی از همین ابهام است. رامحل منطقی و



مستدلی که در خصوص تنش زدایی و رسیدن به نتیجه صریح و مشخص به نظر می‌رسد آن است که ابتدا با بررسی کلیه مبانی نظری، مبانی قانونی، نتایج و فواید مصونیت پارلمانی به ترسیم یک طرح کلی و هدفمند اقدام کرد و آنگاه با در کنار هم نهادن اصول و مبانی اندیشه اسلامی و نیز اندیشه مردم سالارانه، «اندیشه اسلامی مردم سالار» را متجلی ساخت. در نتیجه، از این رهگذر امکان پذیرش اصل مصونیت در حکومت اسلامی فراهم خواهد شد.

۲- مفاهیم

به منظور شناخت واژگان کلیدی و درک صحیح مفاهیم از نظر حقوقی، ضرورت واژه شناسی در ابتدای بحث، مطرح می‌گردد. مصونیت پارلمانی، مرکب از دو واژه «مصونیت»^۱ و «پارلمان»^۲ است و به اعتبار افرادی (یک مجموعه واحد) دارای معنای اصطلاحی است؛ اما به اعتبار ترکیبی، هر یک از واژگان آن، معانی متفاوتی دارد. نخست، مفردات یاد شده را تشریح نموده، آنگاه به تبیین و تعریف اصطلاح حقوقی مصونیت پارلمانی می‌پردازیم.

مصونیت، مصدر جعلی در زبان فارسی و در لغت به معنای محفوظ بودن، حفظ شدن و مأمون بودن است [۱]. واژه مصون، اسم مفعول از ریشه ثلاثی مجرد صون و به معنای محفوظ، نگاهداشته و دور از تعرض آمده است [۲].

در اصطلاح حقوقی، مصونیت عبارت است از معاف بودن از برخی التزامات قانونی و برخورداری از حمایت‌های حقوقی در برابر برخی قوانین که گاه موجب عدم اجرای آنها می‌شود و گاه نیز اجرای مطلق مقررات و قوانین را با محدودیت‌های ویژه‌ای روبه‌رو می‌سازد. طبق یک نظر «مصونیت، عاملی است که زوال مسئولیت کیفری را موجب می‌شود و غالباً از وجود کیفیت و یا حالتی در شخص مرتکب نشأت گرفته یا در بعضی موارد به صورت استثنایی از اوضاع و احوال و شرایطی که موجب تحقق جرم شده است ناشی می‌شود... این مصونیت ممکن است تمام جرائم را در برگیرد یا اینکه مصادیق خاصی از جرائم را شامل شود» [۳، ش ۷۰۶].

امروزه، در قوانین و مقررات داخلی حاکم بر نظام حقوقی کشورها، مقررات فراملی و نیز آموزه‌های حقوقی، گونه‌های متعددی از مصونیت همچون مصونیت قضایی،^۳ مصونیت

1. Immunity

2. Parliament

3. Judicial Immunity



دیپلماتیک،^۱ مصونیت دفاع^۲ طرفین دعوا و به ویژه مصونیت پارلمانی^۳ مطرح می‌گردد. مصونیت اخیر، در قوانین اساسی و عادی اغلب کشورها در قالب یک امتیاز قانونی برای نمایندگان منتخب پذیرفته شده است و اصطلاح «امتیازهای پارلمانی»^۴ مؤید این امر است. در متون حقوقی به زبان عربی، اصطلاح «حصانه النُواب» یا «الحِصانه النبیّیه» به مفهوم مصونیت پارلمانی [۳، ص ۳۷۹]، بر مصون بودن نمایندگان در پناه دژ نفوذناپذیر پارلمان اشاره دارد؛ چه، واژه «حصانه» از ماده «حصن» به معنای سنگر و پناهگاه است.

به هر حال، ضرورت مصون بودن اعضای پارلمانها در کشورهای مختلف به عنوان تضمینی اساسی در راستای انجام وظایف نمایندگی شناخته شده است و همواره بر ضرورت پاسداشت این حریم قانونی تأکید می‌شود؛ تا آنجا که در رم باستان، مدافعان حقوق مردم^۵ از حمایت‌های ویژه‌ای به منظور اجرای آزادانه کارکردهای خویش برخوردار بوده‌اند و هر کس حریم امنیت و مصونیت آنها را نادیده می‌انگاشت یا آنکه زیر پا می‌نهاد، مستحق کیفر بود و چه بسا ممکن بود که به این اعتبار، اعدام گردد. امروزه امتیاز و حق نمایندگان نسبت به برخورداری از مصونیت، بر همان ایده اساسی پیشین مبتنی است، اگر چه خوشبختانه متضمن همان کیفر گذشته نیست [۵].

برای شناخت واقعی مفهوم، ابعاد و سایر مسائل مربوط به بحث مصونیت پارلمانی، پیشتر باید به شکل گذرا به تبیین مجرا و بستر اصلی طرح این موضوع پرداخت.

پارلمان به دستگاهی اطلاق می‌شود که کار ویژه آن، وضع قانون یا قواعد کلی و لازم‌الاجرا است. پارلمان ممکن است از یک یا دو مجلس تشکیل شود. در واقع پارلمان در درجه اول، تجسم بخش قوه مقننه در یک کشور است؛ مگر اینکه کار قانونگذاری علاوه بر این دستگاه، متعلق به همه مردم (از راه همه پرسی) یا قوه مجریه (از راه تفویض اختیارات) یا مشارکت دو قوه (تهیه لوایح از سوی قوه مجریه و تصویب از سوی مجالس) باشد [۶، ص ۲].

از منظر تاریخی، نخستین کشوری که به سازمان بندی پارلمان به سبک امروزی اقدام نمود بریتانیا بود. در ابتدا شورای کبیر انگلستان، متشکل از نجباء، اشراف، روحانیون و صاحب منصبان عالی مقام کشور، وابسته به دربار پادشاهی به وجود آمد. در سال ۱۲۶۵م.

1. Diplomatic Immunity

2. Immunity of Defence

3. Parliamentary Immunity / Les immunités parlementaires

4. Parliamentary Privileges

5. Tribunes



این شورا نام پارلمان به خود گرفت و به تدریج این نهاد که نمادی از تبلور حاکمیت اراده مردم در نظامهای مردم سالار انگاشته می‌شد، از سوی سایر کشورها پذیرفته شد و تحت تأثیر آموزه‌های نامداران بزرگی چون منتسکیو^۱، هامیلتون^۲، اسمن^۳، دیسه^۴ و دیگران مسائل بحث انگیز بسیاری مطرح شد و گرایشهای متفاوتی نیز در ارتباط با شمار مجالس پارلمانی (نظام تک مجلسی یا دو مجلسی) پدیدار گشت [۶، صص ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۰۸].

اما پارلمان به شکل واقعی آنگاه معنا می‌یابد که قانونگذاری، امری پیش ساخته و از پیش تعیین شده نباشد و اساس کار قانونگذاری بر مبنای اراده اکثریت مردم و از سوی نمایندگان منتخب و مورد اعتماد مردم در پارلمان انجام پذیرد که البته این در صورتی است که دموکراسی در میان ملت با دو عنصر قانونگذاری و کنترل اجرا به صورت مستقیم اعمال نگردد (دموکراسی مستقیم)، بلکه تمام یا بخشی از کار ویژه قانونگذاری به نیابت از سوی ملت و توسط نمایندگان منتخب مردم در دستگاه پارلمان انجام شود (دموکراسی پارلمانی یا نیابتی). به واقع همین حالت، محل بررسی است [۷].

به هر شکل، از همان ابتدای شکل‌گیری پارلمان در نظامهای مختلف، مصونیت پارلمانی به عنوان شالوده اساسی و از لوازم اصلی وظیفه نمایندگی در پارلمانتها شناخته شد و در متن قوانین اساسی بیشتر کشورهای پذیرنده این نهاد یا در سایر قوانین آنها تعین یافت. حتی در قوانین اساسی کشورهای مارکسیستی که از آزادیهای سیاسی خبری نیست و یا آزادیهای سیاسی در آنها رو به ضعف نهاده، مسأله مصونیت پارلمانی رعایت شده است [۸، ص ۱۱۲]. در دوره‌ای از تاریخ، پارلمان، نهادهی اشرافی یا موروثی و یا منصوب حاکمان و سلاطین بوده است که اعضای آن به اراده اشراف یا پادشاهان برگزیده می‌شدند و آن گونه که آنها اراده می‌کردند، سازمان می‌یافت و تصمیم‌گیری می‌نمود و اعضای آن نیز در صورت بروز هر نوع مخالفتی با اراده شبکه قدرت، از سمت خود خلع یا کیفر می‌شدند. قرن‌ها گذشت تا در فرایندی پر پیچ و خم، نهاد پارلمان به نهادهی برگزیده مردم تطور یافت که به نمایندگی از کل واحدی به نام ملت، سر رشته اصلی حاکمیت ملی را در دست گرفت و به اساسی‌ترین پایه حاکمیت مردمی، مبدل شد. در نظامهای پارلمانی از جمله ایران، پارلمان مظهر اعلا و فرد اجلای حاکمیت اراده عمومی و به منزله قلب تپنده کشور است. پارلمان مهمترین نهاد در مهار

1. Montesquieu

2. Hamilton

3. Smeim

4. Dicey



قدرت و پیشگیری از بروز استبداد و حکومت فردی است. شرط لازم و قطعی انجام وظیفه پارلمان برای رسیدن به مهمترین آرمان، یعنی اعمال حاکمیت مردم و مهار خودکامگی، آن است که پارلمان با آزادی عمل و در حاشیه‌ای امن و مصون از دستبرد و تعرض صاحبان ابزارهای قدرت، وظایف خود را به انجام رساند. پس گزافه نیست اگر گفته شود اصل مصونیت پارلمانی، همان اصل مصونیت پارلمان یا مصونیت حاکمیت مردم است و شکست آن به معنای نقض مورد اخیر نیز هست.

اگرچه تعاریف بسیاری از سوی حقوقدانان در تبیین اصطلاح مصونیت پارلمانی گردیده است، امکان ارائه تعریف جامع و مانعی از مصونیت پارلمانی فراهم نیست.^۹ با وجود این، وجه مشترک تمامی تعاریف، مؤید امتیازات و حمایت‌های قانونی است که از سوی قانونگذاران برای نمایندگان و در اجرای وظایف نمایندگی لحاظ گردیده است.

در فرهنگ فرانسوی روبرت^۱ آمده است: «مصونیت پارلمانی عبارت است از امتیازات اعطایی به نمایندگان مجلس به منظور حراست از وظایف نمایندگی و استقلال نماینده در برابر هر گونه تعرض به او». در فرهنگ اصطلاحات حقوقی دالوز^۲ مصونیت پارلمانی این گونه تعریف شده است: «امتیازی است که نمایندگان مجلس را در برابر هرگونه تعقیب، مورد حمایت قرار می‌دهد، به نحوی که بتوانند آزادانه به اعمال وظایف نمایندگی خود بپردازند». در فرهنگ لاروس^۳ نیز مصونیت پارلمانی امتیازی دانسته شده است که «به موجب آن، نماینده را نمی‌توان بدون تصویب و مجوز مجلس مورد تعقیب قرار داد» (ص ۴۴).

نویسندگان حقوقی تعاریفی راجع به مصونیت پارلمانی ارائه داده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. «به منظور انجام و اجرای [مطلوب] وظایف نمایندگی، به نمایندگان امتیازاتی داده می‌شود تا بدون هیچ گونه مداخله ناصواب یا ترسی، به وظیفه خود، عمل نمایند» (ص ۲۷).

«مصونیت پارلمانی به گونه‌ای امتیاز قانونی گفته می‌شود که مطابق آن، نمایندگان مجلس در اظهار نظرها و ابراز عقاید و رأی خود در پارلمان دارای مسئولیتی نبوده و در برابر دولت و سازمانهای دولتی و در برابر قوه قضاییه، دادگاهها و یا هر مقام دیگر پاسخگو نخواهند بود» (ص ۱۲).

در حقیقت «منافع مردم که نمایندگان اصولاً مسئول حفظ و پاسداری از آن به شمار می‌روند، اقتضا می‌کند که مجموعه حقوقی تحت عنوان مصونیت پارلمان برای این نمایندگان

1 La Robert

2 Dalloz

3 Larousse

برقرار شود تا با آزادی و به دور از هر گونه پروا، پرهیز و ملاحظه کاری بتوانند به ایفای وظیفه خویش بپردازند» [۱۳، ص ۱۵۵].

۳- پیشینه تاریخی مصونیت پارلمانی

در خصوص پیشینه تاریخی مصونیت پارلمانی دو دیدگاه مطرح است. طبق دیدگاه نخست، مبدأ تاریخی اعطای مصونیت پارلمانی به اعضای پارلمانها روشن نیست؛ زیرا این قبیل مصونیتها به تدریج و در طی توافقهایی ضمنی بین حکومتها و مجالس ملی آنها حاصل گردیده‌اند. به همین جهت این توافقه‌ها، داخلی هستند و پذیرش آنها در چارچوب قانون اساسی جریان می‌یابد. از آنجا که اقدام برای تدوین قانون اساسی در قرون اخیر شکل گرفته و طبق نظر برخی پژوهشگران تاریخ آن به ثلث اخیر قرن هجدهم میلادی - یعنی زمانی که قانون اساسی فیلادلفیا در سال ۱۷۷۶م. آماده شد - برمی‌گردد، بنابراین سند خاصی که متضمن اعتراف به وجود حق مصونیت پارلمانی قبل از این تاریخ باشد، وجود ندارد [۸، ص ۱۱۱].

طبق دیدگاه دوم، از منظر تاریخی، عملاً ریشه مصونیت پارلمانی را باید به عصر امپراتوری رم باستان و سرشت پارلمانی نظامهای آن دوره مربوط دانست؛ زیرا مدافعان حقوق مردم در مجالس سنا و ملی از حمایتهای ویژه و گسترده‌ای در آن زمان برخوردار بوده‌اند که مشابه آن را در عصر حاضر نیز می‌توان مشاهده کرد [۱۴، ص ۴]. اما چنانچه به طور رسمی بررسی شود، مصونیت پارلمانی ریشه در تعارض بین پارلمان، پادشاهان و نظام قضایی انگلیس دارد [۱۵] و به نشست پارلمان انگلستان در سال ۱۳۹۷م. باز می‌گردد [۱۶، ص ۲۷]. در این زمان، مجلس عوام لایحه‌ای را تصویب نمود که رفتار مالی ننگ آور پادشاه انگلستان - ریچارد دوم^۱ - را محکوم می‌ساخت. «توماس هاکسی^۲»، عضوی که حامی این مصوبه صریح مجلس عوام، و مخالف پادشاه و دادگاه وی بود، به محاکمه کشیده شد و به کیفر مرگ محکوم گردید. محکومیت وی تحت عنوان خیانت به کشور^۳ مطرح گردید؛ لکن متعاقب مخالفتی که در آن دوره توسط نمایندگان مجلس عوام با این حکم ابراز شد، این محکومیت به مرحله اجرا در نیامد و «هاکسی» مشمول عفو سلطنتی شناخته شد [۱۴، ص ۱۴]. در قضیه «استرود^۴» در سال ۱۵۱۲م. نیز ابتدا امتیاز ناظر بر معافیت شخص نماینده از اظهارات مطرح

1. Richard II
2. Thomas Haxey
3. Treason
4. Strode's case



شده در پارلمان، مورد انکار واقع شد، اما بعد، از سوی پادشاه مسلم و مقبول فرض گردید. این مصونیت مجدداً در قضیه «سر جان الیوت»^۱ در سال ۱۶۲۹م. با انکار رویه‌رو گردید که به هر شکل از سوی مجلس سنا و مجلس عوام پذیرفته نشد. اعتراضها و ایرادها در عدم پذیرش مصونیت نمایندگان از سوی مجالس یاد شده در سالهای ۱۶۴۱ و ۱۶۶۷م. همچنان تداوم یافت تا اینکه مجلس سنا در سال ۱۶۶۸م. بر ضرورت مصونیت تأکید نمود و هر گونه تعقیبی را که به سبب سخنان نمایندگان در پارلمان انجام می یافت، مردود دانست [۱۷، ص ۱۱۲]. این وقایع، مجلس عوام را برانگیخت تا حق اعضای پارلمان را مورد بازبینی و بررسی مجدد قرار دهد و در قالب استقلال و آزادی کامل، بدون مداخله مقام سلطنتی متبلور سازد. لذا پیشنهاد «آزادی نطق»^۲ در ابتدای سده شانزدهم به مجلس عوام ارائه گردید که سرانجام در سال ۱۶۸۹م. در مصوبه پارلمان انگلیس - که برخی از حقوق افراد و نمایندگان مجلس را تضمین می‌کند - مورد تصدیق و تأیید واقع شد. این مصوبه، «سند حقوق بشر»^۳ نام گرفت و به طور صریح در ماده ۹ آن از مباحثات و افعال اعضای پارلمان، بدون هر گونه مداخله یا مخالفت و اعتراضی در خارج از پارلمان، حمایت شد [۱۴، ص ۱۵].

در فرانسه نیز بعد از انقلاب ۱۷۸۹م. این ضرورت، مبنی بر مصونیت بخشی به نمایندگان در راستای تضمین و پاسداشت آنان به سبب عقاید مطرح شده در پارلمان و در مقام انجام تعهدات و وظایف، شکل گرفت. چنین مصونیتی نخستین بار به موجب طرح پیشنهادی «میرابو»^۴ - سخنور نامدار انقلاب کبیر فرانسه - در جلسه ۲۳ ژوئن ۱۷۸۹م. مجلس مؤسسان به تصویب رسید. این پیشنهاد به وسیله اعلامیه‌ای در پی فرمان ۲۶ ژوئن ۱۷۹۰م. مورد تقلید واقع شد که در آن از امتیازی یاد گردید که به موجب آن امکان صدور کیفر خواست علیه نمایندگان، بدون اجازه پارلمان منتفی بود [۱۸].

به هر حال در این کشور، مصونیت پارلمانی در امور جزایی تجویز گردید و برخلاف انگلستان، ضرورت مصونیت پارلمانی در امور جزایی بیشتر از امور حقوقی احساس شد. این مصونیت در قوانین اساسی ۱۸۷۵م. و ۱۸۸۱م. مجدداً تأیید گردید. بعدها نیز اگر چه مستندات و مواد قانونی آن تغییر یافت، لکن ماهیتاً همان سمفاد مورد استناد قرار داده شد. این مصونیت، بدون هیچ استثنایی شامل بحثها و سخنرانیهای ارائه شده در مجلس ملی یا



1. Str John Eliot's case
2. Freedom of Speech
3. Bill of Rights
4. Mirabeau

مجمع مجالس سنا و ملی است؛ خواه در حین سخنرانی باشد، خواه در بحثهای مطرح شده در کمیسیونهای تخصصی. اصل ۲۱ قانون اساسی سابق فرانسه چنین نگارش شده است: «هیچیک از اعضای پارلمان را نمیتوان به دلیل اظهار عقیده یا آرای صادر شده از سوی وی در چارچوب اجرای وظایف قانونی خویش تحت تعقیب، جستجو، دستگیری، حبس یا محاکمه قرار داد. این مصونیت هم شامل خسارات وارده به منافع اشخاص میشود و هم جنبه عمومی جرم را شامل میشود». این مصونیت همچنین مستلزم کسب اجازه از پارلمان برای تعقیب نمایندگان در جرائم عمومی ارتكابی توسط آنان است. این اجازه باید از مجلس اخذ گردد، اما به اتهامات منتسب در جرائمی با عناوین جنایت و جنحه محدود میشود. بنابراین برای تحت تعقیب قرار دادن اتهامات خلافی نیازی به کسب اجازه نخواهد بود. با صلاحدید پارلمان نیز امکان تقاضای تعلیق تعقیب یا تعلیق حبس اعضای آن در زمان نمایندگی فراهم است و پارلمان میتواند در این زمینه اتخاذ تصمیم نماید [۱۸، ص ۹۴۱].

حوزه نسبتاً وسیعتر امتیازات پارلمانی در فرانسه، قطع نظر از بخشهایی که از الگوی انگلیسی برگرفته شد، به طور نزدیکی با موضع فکری برتر حاصل در چارچوب انقلاب فرانسه ارتباط یافته است. به هر شکل از آن زمان به بعد، مصونیت پارلمانی در دیگر کشورهای اروپا در جایی که الگوی فرانسوی با جنبه‌های دوگانه خویش (رویکرد ناظر بر آزادی نطق و مصونیت از تعرض) نفوذ غالبی یافته گسترش یافت [۱۴، ص ۱۷].

در نظام حقوقی ایران نیز از همان ابتدای شکل‌گیری مجالس پارلمانی (مجلس شورای ملی و مجلس سنا)، لزوم پیش‌بینی مصونیت برای نمایندگان منتخب مردم احساس گردید. لذا ضرورت مصونیت بخشی به نمایندگان، همگام با سایر نظامهای پارلمانی غرب سبب شد تا اصل مصونیت پارلمانی در قوانین اساسی ادوار مختلف ایران تعیین یابد.

در ابتدا به بررسی پیشینه مصونیت پارلمانی در قانون اساسی مشروطه پرداخته، آنگاه به بیان این سابقه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

امتیاز مصونیت پارلمانی که نخستین بار در قانون اساسی مشروطه بیان گردید، از تأسیسات قوانین اساسی کشورهای غربی اقتباس شده است. بنابراین مصونیت اعضای مجلس از کشورهایی که قانون اساسی آنها الگوی تدوین قانون اساسی مشروطه بوده، در گذشته به کشور ما راه یافته است [۲۵، ص ۲۱۸].

از نظر نویسندگان حقوقی، نظام مصونیت پارلمانی که ریشه در اصل ۱۲ قانون اساسی، مصوب ۱۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ هـ. ق. دارد، متأثر از نظام مصونیت پارلمانی در فرانسه



است. نظام مصونیت پارلمانی در فرانسه نیز ریشه در مصوبه ۲۳ ژوئن ۱۷۸۹م. مجلس ملی آن کشور دارد. این مصوبه مقرر می‌دارد: «شخصیت هر نماینده مصون از تعرض است». این اصل در قانون اساسی کشورهای دیگر از جمله ایران، مبنای نظام مصونیت پارلمانی گردیده است [۱۰، ص ۱۴]. اصل ۱۲ قانون اساسی مقرر می‌داشت: «به هیچ عنوان و به هیچ دستاویز، کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود. اگر احیاناً یکی از اعضا علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد، باز باید اجرای سیاست درباره او به استحضار مجلس باشد» [۶۱]. البته به طوری که می‌دانیم چون مجلس سنا در سال ۱۳۲۸هـ. ش. در ایران تشکیل شد، لذا قانون اساسی گذشته فقط به ذکر مصونیت نمایندگان مجلس شورای ملی پرداخته است؛ اما ماده ۳۶ قانون اجازه اجرای نظامنامه انتخابات مجلس سنا، مصوب ۱۳۲۸هـ. ش. مصونیت مذکور در اصل دوازدهم قانون اساسی را به نمایندگان مجلس سنا نیز تسری و تعمیم داده است [۲۲، ص ۱۲۵].

در ماده ۲۳ از فصل اول نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی نیز آمده بود: «بدون اجازه مجلس، احدی از اجزای (اعضای) مجلس را نمی‌توان به هیچ عنوان گرفتار و دستگیر نمود؛ مگر مرتکب جنحه یا جنایتی باشد به طور علنی، و کلیه تحریر و تقریر اعضای مجلس در مصالح دولت و ملت آزاد و هیچ کس حق مزاحمت آنها را ندارد؛ مگر در صورتی که تحریرات و تقریرات عضوی بر خلاف مصالح عامه و موافق قوانین شرع انور مستوجب مجازات باشد. در این صورت با اجازه مجلس این نوع اشخاص به محکمه عدلیه جلب خواهند شد».

با کمی تعمق در اصل ۱۲ قانون اساسی مشروطه و مواد یاد شده می‌توان دریافت که حمایت‌های قانونی راجع به نمایندگان، علی‌رغم اقتباس از غرب، به شکل جامعی در گذشته پذیرفته شده است که از جهات بسیار چه از جنبه ماهوی و چه از جنبه شکلی در خور توجه می‌باشد. جزئیات راجع به مصونیت پارلمانی نیز در ادوار مختلف مجلس و ضمن آیین نامه‌های داخلی صراحتاً تعیین می‌شده است و این امر مبین سابقه درخشانی است که در قانون اساسی سابق تجلی یافته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) در فرمان مورخ ششم ربیع الاول سال ۱۳۹۹هـ. ق. نخست وزیر دولت موقت را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص، مأمور تشکیل دولت نمود تا ترتیب اداره امور مملکت و به ویژه انجام رفراندوم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور و تشکیل مجلس

مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی جدید و انتخاب نمایندگان ملت را بدهد. بر این اساس، با صدور فرمان همه پرسی از سوی امام (ره) در تاریخ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸ و برگزاری انتخابات، با اکثریت مطلق ۹۸/۰۲ از کل آرای اخذ شده، به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داده شد. آنگاه به منظور تدوین قانون اساسی در مرحله نخست، پیش‌نویس قانون اساسی به عنوان طرح پیشنهادی به افکار عمومی عرضه شد. سپس در مرحله دوم، برای انتخاب خبرگان جهت تدوین قانون اساسی، در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ انتخابات عمومی در سراسر کشور انجام گرفت که سرانجام مجلس مؤسسان خبره یا خبرگان، تحت عنوان «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی» در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با عضویت ۷۲ نماینده افتتاح گردید. بنابراین در میان طرق مختلفی که برای تدوین و تصویب قانون اساسی در جهان متداول است، جمهوری اسلامی ایران با ویژگیهایی که از نظر اتکا به مکتب و پشتیبانی قاطع مردم داشت، کاملترین و جالبترین راه را برگزید و در حقیقت به جای استفاده از یکی از دو راه مؤسسان خبره و رفراندوم، راه مرکب از آن دو را انتخاب نمود. در مرحله سوم، اصول مطرح شده در جلسات عمومی خبرگان که متشکل از اسلام شناسان، اندیشمندان و حقوقدانان برجسته بود، مورد شور و بررسی قرار گرفت و در مرحله چهارم، رسیدگی نهایی و رأی گیری انجام یافت. در مرحله پنجم، اصول بررسی شده به تصویب نهایی رسید. در آخرین مرحله نیز با برگزاری همه پرسی در یازدهم و دوازدهم آذرماه ۱۳۵۸ در خصوص این میثاق ملی از مجموع آرا، ۹۹/۵ رأی موافق داده شد [۲۳، صص ۱۸۴ - ۱۷۶].

در این جریان، مصونیت پارلمانی ابتدا در قالب اصل ۷۱ مطرح گردید. در طرح این اصل آمده بود: «نمایندگان مجلس در اظهار عقیده و رأی خود کاملاً آزادند و نمیتوان آنها را به مناسبت عقایدی که در مجلس اظهار کرده یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد. اگر نماینده‌ای مرتکب جنحه یا جنایت مشهود شود مورد تعقیب قرار می‌گیرد، ولی جریان دستگیری او باید فوراً به آگاهی مجلس برسد و تحقیق و دادرسی باید با حضور نماینده مبعوث انجام پذیرد. در صورتی که نماینده‌ای به ارتکاب جرم غیر مشهود متهم شود، توقیف و بازداشت او قبل از محکومیت در دادگاه مشروط به سلب مصونیت از طرف مجلس است، ولی محاکمه او در دادگاه صالح به صورتی [است] که مزاحم ایفای وظایف نمایندگی او در اثنای دادرسی نباشد و اجرای حکم قطعی دادگاه درباره او نیازی به سلب مصونیت ندارد» [۲۴، صص ۹۰۹ و ۹۱۰]. این اصل که پس از مذاکرات مجلس



مذکور با تغییرات و جرح و تعدیلهایی در قالب اصل ۸۶ قانون اساسی کنونی به تصویب رسید، از همان ابتدای طرح با چالشهایی روبه‌رو بوده است؛ زیرا در کنار گروه موافقان این اصل که بر ضرورت تنصیص آن در قانون اساسی تأکید می‌ورزیدند، گروهی نیز اساساً با طرح این موضوع، مخالفت می‌نمودند؛ گرچه در این میان، گروهی راه میانه را در پیش گرفته، خواستار پیش‌بینی مصونیت پارلمانی با رعایت یک سری اصول و مسائل بودند [۲۴، صص ۹۰۹-۹۱۳، ۹۳۰-۹۴۰].

سرانجام با وجود این چالشهای نظری، در متن نهایی قانون اساسی، قسمت دوم اصل ۷۱ حذف گردید و قسمت نخست آن در قالب اصل ۸۶ ق.ا.ج.ا.ا. در جلسه سی و پنجم مجلس یاد شده به تصویب رسید [۲۴، ص ۹۳۱]. به موجب این اصل: «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد». این اصل در بازنگری قانون اساسی که پیرو صدور دستور بازنگری در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۴ از سوی امام خمینی (ره) در همین سال انجام پذیرفت، همچنان بدون تغییر باقی ماند.

بیان این مطلب، ضروری است که به رغم عدم تصریح بر مصونیت پارلمانی در اصل ۸۶ ق.ا. اصولاً معنای دیگری از این اصل مستفاد نمی‌شود؛ زیرا نصوص قانونی، دارای مفاهیم و معانی عرفیه‌اند. به دیگر سخن، قطع نظر از فلسفه تنصیص این اصل، سابقه و مبای پیش‌بینی آن در قانون اساسی، با تعمق در مفاد آن به سادگی می‌توان استنباط نمود که از عدم تعقیب یا توقیف، معنایی جز «مصونیت» به ذهن متبادر نمی‌شود. پس عدم تعقیب یا توقیف هر چند از نظر لفظی با مصونیت یکسان نیست، اما از نظر مفهوم، آثار و نتایج مشابهی با آن دارد و آنگاه که منع تعقیب و توقیف مطرح گردد، به دلالت تضمینی «مصونیت پارلمانی» را می‌توان از این امر دریافت. اینجا است که از این تعبیر می‌توان بهره گرفت که اشاره اقوا از تسمیه است. البته در آیین نامه داخلی مجلس و در تمامی ادوار، فصل مستقلی تحت عنوان «مصونیت نمایندگان» پیش‌بینی گردیده که اصل ۸۶ ق.ا.ا. حدود و ثغور آن را روشن‌تر ساخته است.

در توجیه دلیل عدم ذکر این اصطلاح در اصل ۸۶ ق.ا.ا. باید به پیشینه طرح این اصل در مجلس بررسی نهایی ق.ا.ج.ا.ا. بازگشت؛ چون به دلیل حساسیت بر واژه «مصونیت»، گروهی خواستار آن شدند که به جای این واژه، از لفظ «با اجازه» استفاده گردد که همان محتوا را برساند [۲۴، صص ۹۳۰ و ۹۳۱].



به این ترتیب، دیدگاه آنانی که معتقدند از اصل ۸۶ ق. ا. مفهوم مصونیت پارلمانی استنباط نمی‌شود [۱۰، ص ۲۵]، یا اساساً در مقام نفی هر گونه مصونیت برای نمایندگان برآمده‌اند، با واقع امر منطبق نیست.

۴- جایگاه و ماهیت حقوقی مصونیت پارلمانی

از آن جا که اصولاً منشأ مصونیت پارلمانی، قانون اساسی کشورها است و این موضوع با پارلمان به عنوان نهاد قانونگذاری مستقیماً پیوند خورده است، بیشتر در ضمن مباحث حقوق اساسی مطرح می‌شود و از مسائل اصلی قابل طرح در این حوزه به شمار می‌آید. علی‌رغم این واقعیت، مصونیت پارلمانی در قلمرو حقوق کیفری ماهوی و یا شکلی هم دارای جایگاه ویژه‌ای است و از جهات مختلف، مورد توجه واقع می‌شود.

اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری از اصول حاکم بر اجرای قوانین جزایی در مکان است. طبق این اصل، قوانین جزایی نسبت به کلیه جرائمی که در داخل کشور ارتکاب می‌یابند - اعم از اینکه مجرم از اتباع کشور باشد یا اتباع خارجه - لازم‌الاجرا است. با وجود این، استثنائاتی بر این اصل وارد است که از جمله آنها مصونیت پارلمانی نمایندگان است [۲۵، صص ۱۷۱ و ۱۷۵].

نویسندگان حقوقی در بحث اسباب معافیت از کیفر، مصونیت پارلمانی را در شمار سببهایی می‌دانند که تحت شرایطی، باعث معاف بودن نماینده از مجازات، به فرض تقصیر می‌شود [۲۶، ص ۱۷۵]. همچنین برخی در مقام اثبات مصونیت قانونی و نفی مسئولیت جزایی نماینده، بر فقد قصد مجرمانه تأکید می‌ورزند و از این منظر به «اصل عدم» تمسک می‌جویند [۱۰، ص ۴۷]. بدیهی است تحلیل رکن روانی، تشریح اجزا و عناصر آن وارد در حوزه حقوق کیفری عمومی است.

به این ترتیب، مصونیت پارلمانی از جهات متعددی در حقوق کیفری عمومی، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد و در مجموع، به شکل مستقیم با این شاخه حقوقی ارتباط یافته است. قطع نظر از مباحثات و اختلافات نظری موجود در خصوص امکان فرض تحقق جرم از سوی نماینده یا عدم آن، چنانچه نماینده، متهم به ارتکاب جرائمی از قبیل توهین به افراد، مقامات و یا به مقدسات افترا، نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی و سایر جرائم گردد، در این صورت ماهیت جرم ارتكابی، ارکان و ویژگیهای متمایز آن و تشریح شرایط کیفر براساس مباحث حقوق کیفری اختصاصی، مشخص خواهد شد.



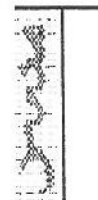


مصونیت پارلمانی نمایندگان از جنبه‌های متعددی در آیین دادرسی کیفری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. تشریفات تعقیب و سلب مصونیت پارلمانی از مسائل مهمی است که در قلمرو آیین دادرسی کیفری است. قواعد شکلی لازم الاجرا معمولاً در قالب قوانینی در زمینه آیین دادرسی تنظیم و تنسیق می‌گردد. برای نمونه، قوانین و مقررات بوندستاگ^۱ (مجلس فدرال آلمان) در این خصوص، بسیار مشروح و مفصل است و حتی متضمن قواعد و اصولی راهبردی در هدایت دادرسان محاکم جهت اتخاذ تصمیم است. مقررات لازم الاجرا و اصولی راهبردی در مجلس شورای ملی فرانسه و مجالس ایتالیا، اسپانیا و لوگزامبورگ نیز به همین شکل جامع و مبسوط است. بر عکس، نصوص قواعد و قوانین آیین دادرسی در بلژیک و دانمارک بسیار موجز، کوتاه و قدیمی است. در برخی کشورها نیز همچون ایرلند، انگلستان و هلند، اساساً آیین دادرسی ویژه‌ای در این زمینه موجود نیست [۱۴].

از دیگر مباحث مربوط به مصونیت پارلمانی در آیین دادرسی کیفری، بحث موانع تعقیب دعوی عمومی است که مصونیت مذکور در زمره موانع موقتی تعقیب دعوی عمومی تلقی می‌شود. همچنین در برخی کشورها، مصونیت پارلمانی از موانع حقوقی تعلیق مرور زمان به شمار می‌آید؛ زیرا با توجه به لزوم تحصیل اجازه برای تعقیب نمایندگان در این کشورها، در صورت عدم حصول اجازه تعقیب، مرور زمان معلق می‌شود [۲۸، ص ۲۶۳]. بحث صلاحیت شخصی محاکم کیفری به اعتبار سمت و موقعیت اجتماعی نماینده در رسیدگی به اتهامات وی که از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است از دیگر مسائل داخل در حوزه آیین دادرسی کیفری است [۲۹، صص ۱ و ۳]. بر این اساس، صلاحیت رسیدگی به اتهامات نماینده از قلمرو صلاحیت محلی دادگاه (به اعتبار محل وقوع جرم) خارج گردیده است [۱۸۵ - ۱۸۴].

بنابراین در بخش قواعد شکلی ناظر بر مصونیت پارلمانی نمایندگان، مسائل بسیاری در آیین دادرسی کیفری مطرح است که از جنبه‌های مختلف، بررسی می‌شوند.

اهمیت تبیین ماهیت پدیده‌های حقوقی از آن رواست که بدون درک چپستی آنها شناخت مبانی و مسائل راجع به آنها ممکن نخواهد بود؛ بنابراین پیش از بررسی مبانی نظری و قانونی مصونیت پارلمانی، ضروری است ماهیت حقوقی این تأسیس شناخته شود. در یک دسته بندی کلی، اوصاف ذیل را می‌توان برای نمایندگی برشمرد:



1 Bundestag

۱. نمایندگی، واجد خصیصه ملی است: اگر چه نمایندگان از سوی حوزه‌های انتخابیه ویژه‌ای برگزیده می‌شوند، لکن علی‌رغم ارتباط با حوزه انتخابیه خویش، نماینده کل جامعه تلقی می‌شوند و در واقع، طبق اصل ۸۴ ق. ا: «هر نماینده در برابر تمام ملت، مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید». سوگند نمایندگان در پاسداری از حریم اسلام و نگاهبانی از دستاوردهای انقلاب اسلامی و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم و تأمین مصالح، مؤید این وصف است (اصل ۶۷ ق. ا).

۲. نمایندگی، قائم به شخص است؛ چون نمایندگی، قائم به شخص نماینده است و پس از گذراندن روند انتخاباتی، وی منتخب می‌گردد، لذا قابل تفویض به دیگری نیست (اصل ۸۵ ق. ا). در نتیجه همین ویژگی، آثار حقوقی مترتب بر نمایندگی، تنها متوجه شخص نماینده خواهد شد.

۳. نمایندگی، غیر قابل عزل است: برخلاف وکالت در حقوق خصوصی که اصولاً موکل هر وقت بخواهد می‌تواند وکیل خود را عزل کند (ماده ۶۷۹ ق. م. ا)، امکان عزل نمایندگان از سوی انتخاب کنندگان وجود ندارد. بنابراین، آنان برای تمام و یا باقیمانده یک دوره نمایندگی که انتخاب می‌شوند، مستقلاً به ایفاء وظیفه نمایندگی خواهند پرداخت [۱۴، ص ۱۵۲].

۱-۴- مصونیت پارلمانی به عنوان یک حق یا امتیاز قانونی

از نظر برخی حقوقدانان، مفهوم حق در چهار معنای متفاوت، کاربرد دارد:

۱. حق به معنای قدرت^۱، مثل حق فرد نسبت به وصیت بر مال خود؛
۲. حق به معنای مطالبه^۲، مثل حق طلبکار بر بدهکار؛
۳. حق به معنای آزادی^۳، مثل حق بیان؛
۴. حق به معنای مصونیت^۴، که نظریه پردازان برای این حق، مثالهایی از حق بر حریم شخصی یا حق اظهار نظر نمایندگان پارلمان را ذکر می‌کنند [۱۰، ص ۳۷].

1 Power Rights
2 Claim Rights
3 Liberty Rights
4 Immunity Rights



در حقیقت، مورد اخیر ناظر بر سلطه و اختیاری است که بر پایه اصول مندرج در قوانین اساسی کشورها یا سایر قوانین به نمایندگان داده شده است. این سلطه، مبین ماهیت «حق» گونه مصونیتی است که «تکلیف» احترام نهادن از سوی دیگران را ایجاب می‌نماید. مطلب شایان توجه آنکه حق قانونی نمایندگان مبنی بر برخورداری از مصونیت، در راستای تأمین مصالح عمومی پیش‌بینی گردیده است و از جمله قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است [۳۱]. لذا نماینده پارلمان نمی‌تواند از آن صرف نظر کند. اگر چه در عمل، امکان عدول از این حق در برخی کشورها همچون انگلستان مطرح شده است [۳۲]. در کنار مفهوم حق، گاه از مصونیت پارلمانی به عنوان امتیازی یاد می‌شود؛ امتیازی که سایر تضمینات حقوقی در پرتو آن شکل می‌یابند. این امتیاز دربردارنده ویژگیها و آثاری است که برای متمایز ساختن اعضای مجالس قانونگذاری از دیگر اشخاص مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است [۸۴، ص ۱۱]. نمایندگان بر پایه همین حق و امتیاز قانونی قادر خواهند بود از نظر حقوقی مورد حمایت واقع شوند.

۴-۲- مصونیت پارلمانی به عنوان یک مصونیت قانونی

در بحث راجع به مصونیت‌های کیفری، از مصونیت پارلمانی به عنوان مصونیتی قانونی یاد می‌شود که به واسطه ویژگیها و آثار حقوقی خاص خود از سایر مصونیتها متمایز گردیده است. گاه نیز مصونیت پارلمانی به عنوان مصونیتی ماهوی مطرح می‌شود که در نتیجه آن، عملی که اصولاً طبق قانون، جرم شناخته شده است به واسطه وضعیت و جایگاه ویژه نمایندگان، از حیث تعقیب و کیفر با موانع و محدودیتهایی روبه‌رو می‌گردد [۳۳]. لذا فرایند تعقیب، توقیف و اعمال قواعد و مقررات جزایی در خصوص اعضای پارلمان با سایر افراد متفاوت خواهد بود. اما به رغم این تمایز، یک نکته را نباید از نظر دور داشت و آن اینکه شناسایی این امتیاز و مصونیت هیچگاه به معنای معافیت کلی نماینده از تعقیب و کیفر نیست؛ بلکه در این زمینه، موضوع نظام‌مندی فرایند قضایی و رعایت تشریفات دادرسی ویژه در خصوص نماینده مطرح است که از سوی اغلب کشورهای جهان نیز پذیرفته شده است.

در مقام مقایسه مصونیت قانونی نمایندگان با علل تبرئه‌کننده یا موجهه جرم می‌توان گفت بر خلاف علل اخیر که به حکم قانونگذار، زوال رکن قانونی جرم را در پی دارند [۲۵، ص ۱۲۷]، مصونیت قانونی نمایندگان زایل‌کننده رکن قانونی جرم نیست و لذا



تأثیری از این حیث در مسئولیت جزایی و حقوقی نمایندگان به فرض ارتکاب جرم نخواهد داشت.

مصونیت قانونی از علل دافع مسئولیت کیفری نیز متمایز می‌گردد. اگر چه خصیصه «شخصی بودن مسئولیت» را می‌توان وجه مشترک علل رافع مسئولیت کیفری و مصونیت قانونی دانست.

صرف نظر از شباهتهای جزئی بین مصونیت قانونی و معاذیر قانونی در زمینه معافیت از کیفر بنا بر یک سری ملاحظات، تفاوت‌های اساسی نیز بین این دو وجود دارد که به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

۱- از نظر هدف: به رغم آنکه در دو حالت فوق، عناصر متشکله جرم به صورت کامل تحقق یافته است و مرتکب دارای مسئولیت جزایی است، ولی آنچه در معاذیر قانونی سبب معافیت مرتکب از تحمل مجازات می‌شود، ملاحظات خاص اجتماعی است که اصولاً در جهت کشف سریعتر جرائم اعمال می‌گردد؛ به خلاف مصونیت قانونی که جنبه ارفاقی آن به لحاظ جلوگیری از ایراد لطمه به مقام و موقعیت حساس شغلی نمایندگانی است که هر لحظه ممکن است در معرض تعقیب مراجع قضایی قرار گیرند و در نتیجه از انجام وظایف مهم خود باز بمانند.

۲- از نظر دامنه شمول: معاذیر قانونی عام نبوده، بلکه احراز آنها در هر جرمی، مستلزم نص خاص قانونی است؛ در حالی که مصونیت قانونی جز در برخی موارد استثنایی یا مصرح همچون جرائم خلاقی، تمامی جرائم ارتكابی شخص نماینده را - در فرض وقوع - در بر می‌گیرد. این بدان معنا است که به طور کلی، رعایت تشریفات ویژه تعقیب یا محاکمه، اختصاص به جرم یا جرائم مشخص ندارد.

۳- از نظر آیین دادرسی: مصونیت قانونی و معاذیر معاف کننده، هر دو از قواعد آمره به شمار می‌آیند و مقام قضایی پس از احراز آنها در شخص مرتکب جرم، مکلف به اعمال و اجرای قواعد و مقررات قانونی است؛ با این تفاوت که در معاذیر قانونی، دادگاه پیش‌تر به مسأله تقصیر متهم توجه می‌کند و چنانچه قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی را محرز دانست، آنگاه به بررسی در مسأله عذر قانونی می‌پردازد تا در صورت تحقق شرایط لازم، مجرم را از کیفر معاف سازد، حال آنکه در مصونیت قانونی، چنانچه نهاد تعقیب یا دادرس در هر مرحله‌ای متوجه مصونیت شخص نماینده شود، مکلف است به آن توجه نموده، قرار منع تعقیب صادر نماید.

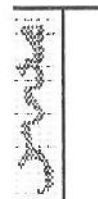


۴- از نظر مجازات: در معاذیر معاف کننده قانونی با آنکه مجازاتهای اصلی نسبت به شخص مرتکب جرم اعمال نمی‌شود، ولی ممکن است به مجازاتهای تبعی و یا تکمیلی محکوم شود، در حالی که با وجود مصونیت قانونی، اصولاً تعقیبی صورت نمی‌گیرد تا بتوان مجازاتهای اصلی، تبعی و تکمیلی را نسبت به نماینده اعمال نمود.

۳-۴- مصونیت پارلمانی در عداد موانع موقتی تعقیب دعوای عمومی

روند رسیدگی به دعوای، مستلزم رعایت قواعدی است که اجرای درست و دقیق آنها، نقش مؤثری در تأمین اهداف سیاست جنایی دارد. حال آنچه در ابتدای فرایند کیفری مطرح است، آغاز رسیدگیهای شکلی است که مسئولیت اصلی در این زمینه، اصولاً متوجه نهاد تعقیب است. در رأس این نهاد نیز دادستان قرار گرفته است که در یک بررسی مقدماتی، ضرورت و موقعیت تعقیب، وضعیت و شخصیت متهم را لحاظ کرده، آنگاه در خصوص عنوان مجرمانه و وارد ساختن اتهام، تصمیم گیری می‌نماید. که در این زمینه ممکن است با توجه به قواعد کلی و واقعیتهای موجود، قضایایی را اساساً قابل طرح نداند یا مسیر آنها را به سوی نظام عدالت غیر کیفری سوق دهد. اما چنانچه اتهامی مطرح شود، این امر جز با اعتقاد دادستان بر توانایی محکوم ساختن متهم و اثبات اتهام، بدون هر گونه شک و شبهه معقول، امکان پذیر نیست [۲۴، ص ۲۶]. در این حالت، دادستان با وجود مقتضی تعقیب و فقد مانع، رأساً یا توسط معاون خود و یا بازپرس اقدام به پیگرد متهم نموده، ارکان سه گانه جرم (رکن قانونی، مادی و روانی) را احراز خواهد کرد [۳۵، صص ۱۶ - ۱۳]. پس این اقدام در صورتی است که عامل بازدارنده‌ای در راه اصل تعقیب وجود نداشته باشد؛ زیرا در برخی موارد، نهاد تعقیب با موانعی روبه‌رو می‌شود که نه تنها تصمیم گیری درمورد تعلیق تعقیب، بلکه امکان تعقیب نیز از دادسرا سلب می‌شود. موانع مذکور یکسان نبوده، ماهیت حقوقی متفاوتی دارند برای نمونه، برخی موانع از قبیل مرور زمان، امر مختوم کیفری و فوت متهم، نهاد تعقیب را همیشه از پیگرد متهم و به جریان انداختن دعوای عمومی باز می‌دارند و برخی موانع از جمله مصونیت پارلمانی، موقتی بوده، پس از حصول شرایط و اسباب قانونی، امکان تعقیب فراهم می‌شود [۲۷، ص ۱۲۲].

به این ترتیب، مشخص می‌شود که مصونیت پارلمانی در عداد موانع موقتی تعقیب دعوای عمومی جای گرفته است. لذا در اغلب کشورهای جهان تا زمانی که تقاضای تعقیب اعضای پارلمان از سوی نهاد تعقیب انجام نگیرد و پارلمان مربوط، اجازه تعقیب اعضای خود را تحت شرایط و تشریفات خاص - که اصولاً بر حسب رویکرد ویژه کشورها متفاوت است -



صادر ننماید، هیچ تعقیبی صورت نمی‌پذیرد؛ به عبارت دیگر تا زمان سلب مصونیت، امکان تعقیب عضو پارلمان منتفی است [۳۶]. بدیهی است نقض یا نادیده انگاشتن مسائل یاد شده، با ضمانت اجرای قاطعی روبه‌رو است [۳۷]. این ضمانت اجراها یا در ضمن اصول ناظر بر مصونیت پارلمانی در قوانین اساسی کشورها پیش‌بینی گردیده یا در سایر قوانین و مقررات مطرح شده‌اند.

۵- مبانی نظری مصونیت پارلمانی

اصل مصونیت پارلمانی همچون سایر تأسیسات حقوقی، بر مبانی نظری استواری مبتنی است. در تشریح این مبانی نیز می‌توان شاهد دیدگاه‌های نظری مختلفی بود که در جهت تبیین فلسفه وجودی مصونیت پارلمانی مطرح گردیده‌اند. این دیدگاه‌ها یا نظریه‌ها گرچه هر یک از منظر متفاوتی در مقام اثبات لزوم مصونیت نمایندگان برآمده‌اند، لکن تمامی آنها هدف مشترک و مشابهی در زمینه توجیه این تأسیس داشته‌اند.

۵-۱- تبیین فلسفه وجودی مصونیت پارلمانی بر پایه «دکترین ضرورت»^۱

اصولاً از بعد نظری، مصونیت پارلمانی بر مبنای دکترین ضرورت، توجیه می‌شود. اهمیت این دکترین تا جایی است که به طور کلی تعریف مصونیت پارلمانی، بر آن استوار گردیده است [۳۸]. بر طبق این دکترین، ضرورت برخورداری اعضای پارلمان از برخی مزایا و تأمینات به اعتبار ماهیت وظیفه خطیر و دامنه گسترده مسئولیت آنها در قبال ملت است. بنابراین، پارلمان یا مجلس قانونگذاری باید مصونیتی را برای اعضای خود و در جهت عملکرد مؤثر آنها اثبات نماید.

«لمر»^۲ دادرس بلند پایه انگلیس، دکترین ضرورت را این گونه توصیف می‌کند: «... دامنه امتیازات پارلمانی در سایه ضرورت وجودی آنها تکامل یافته است. در رویه‌های قضایی، امتیازات پارلمانی شامل آن دسته از حقوقی است که برای انجام و اجرای قدرت پارلمان «کاملاً ضروری» می‌باشند. شایان توجه است که در این معنا، توجیه ضرورت در مفهوم کلی آن صورت می‌گیرد و مبین آن است که ایفاء وظیفه نمایندگی، مستلزم برخورداری از مصونیت است» [۳۹].

1. Doctrine of Necessity

2. Lamer



«ارسکاین می»^۱ در اثبات ضرورت مصونیت نمایندگان اظهار می‌دارد: «اعضای مجالس پارلمانی بدون امتیازات و مصونیت‌های قانونی، قادر به ایفای وظایف خویش نخواهند بود و پارلمانها نیز بدون این تضمین‌ها در انجام وظایف خود ناتوان خواهند بود» [۴۰]. لذا مصونیت‌هایی که برای متمایز ساختن اعضای مجالس قانونگذاری از دیگر اشخاص پیش‌بینی شده است، در نتیجه لزوم توانمند سازی آنها برای عملکرد مستقل است [۳۳].

امروزه در تمامی کشورهای پذیرنده اصل مصونیت پارلمانی این واقعیت تأیید شده است که وظایفی را که پارلمانهای آن کشورها باید به انجام رسانند، مقتضی تواناییهای اضافی و تضمینهای اساسی است. پیش شرط ضروری امکان بحث از امور به طور آزاد، ایراد نطق در موضع موافق یا مخالف، انتقاد از عملکرد سایر اشخاص و نهادها و تحقیق و تفحص در تمام امور به گونه‌ای مؤثر و بدون هرگونه مداخله خارجی، بهره‌مندی از مصونیت است [۴۱]. جایی که از همان ابتدا هیچ نماینده‌ای بدون برخورداری از تضمین کافی و مناسب، حاضر به تداوم وظیفه خود در پارلمان نبوده است [۴۲].

نمایندگان با توجه به ماهیت وظیفه نمایندگی و رسالت خطیر خود، در صورت فقدان مصونیت، همواره در معرض شدیدترین تعرضات و تضییقات سیاسی، اجتماعی، قضایی و غیره قرار می‌گیرند. لذا ضروری است که ایفای چنین وظایفی به دور از هر گونه ارباب و تهدید انجام گیرد تا اعضای پارلمان را در ایفای مسئولیت‌های مهمشان قادر سازد [۴۳].

در کنار دکترین ضرورت می‌توان از «نظریه حسن خدمت»^۲ یاد کرد. طبق این نظریه، انجام و ایفای مطلوب وظایف نمایندگی جز در پناه برخورداری از تضمینات کافی و فراغ پال از هر گونه تهدید، اعمال نفوذ و مانع جدی میسر نیست [۴۴]. در حقیقت، نظریه حسن خدمت همچون دکترین ضرورت، در مقام اثبات لزوم پیش‌بینی مصونیت برای نمایندگان است که در مباحث نظری راجع به تبیین فلسفه وجودی مصونیت پارلمانی، جایگاه ویژه‌ای یافته است.

۲-۵- تبلور اراده حاکمیت ملی در پرتو مصونیت پارلمانی

اصولاً حق تعیین سرنوشت اعضای یک حکومت مردم سالار بر عهده نمایندگان منتخبی است که به نیابت از تمامی اعضای آن در فرایند تصمیم‌گیری و نظارت دخالت دارند. در چنین حالتی، امتیاز و مصونیت پارلمانی به منزله دژ حامی و حافظ حاکمیت اراده ملی است و از آن



1. Erskine may
2. Good Service Theory

به عنوان ستون اصلی دموکراسی پارلمانی یاد می‌شود [۴۵]. در حقیقت، هدف از تأمین این مصونیت از یک سو، کمک به اعمال حاکمیت مردم از طریق نمایندگان خود است [۱۰، ص ۲۶] و از سوی دیگر احترام نهادن به گرایش و تعایل عمومی مبنی بر برخورداری نمایندگان منتخب از مصونیت کافی برای ایفای آزادانه وظایف [۴۶]. در اینجا نظریه تبلور اراده حاکمیت ملی در پرتو مصونیت پارلمانی مطرح می‌شود.

در تشریح این نظریه می‌توان گفت اعطای حق حاکمیت به این مفهوم است که حاکمیت به معنای اعمال قدرت، اجرای عدالت و خدمت عمومی توسط خود مردم صورت می‌گیرد و مردم نیز در اجرای حاکمیت، بخشی از وظایف خود را به قوای حاکم که توسط منتخبین آنان اداره می‌شود، تفویض کرده‌اند. لذا مردم باید خود هم بر اجرای عدالت که توسط قوه قضائیه، و هم اعمال قدرت و خدمت عمومی که توسط قوه مجریه صورت می‌گیرد نظارت کنند. براساس این قاعده و بر طبق قانون اساسی، مردم این حق نظارت را به نمایندگان منتخب خویش تفویض نموده‌اند و نمایندگان نیز به عنوان وکلای مردم در اجرای این حق باید از استقلال و آزادی کاملی همچون استقلال و آزادی موکلان خود برخوردار باشند [۴۷]. در این صورت، مصونیت، شرط چنین نظارتی است.

۵-۳- لزوم پیش‌بینی مصونیت پارلمانی در جهت تضمین سیاسی و حفظ استقلال نمایندگان

از مهمترین استدلالهایی که به منظور توجیه فلسفه وجودی مصونیت پارلمانی انجام می‌پذیرد، استدلالی است که بر تضمین سیاسی و حفظ استقلال نمایندگان در نتیجه مصونیت آنها تأکید می‌ورزد. بر این مبنا فقط زمانی می‌توان بر عملکرد راستین و مستقل نمایندگان امید داشت که استقلال پارلمان از سایر نهادها به طور واقعی به رسمیت شناخته شده باشد و اعضای آن در برابر تعرضات و تجاوزات احتمالی مصون باشند. نمایندگان پارلمان برای انجام وظایف نمایندگی خود باید از آزادی، استقلال و آرامش خاطر برخوردار باشند تا بتوانند وظیفه خود را که همانا دفاع از حقوق آحاد جامعه و تلاش برای رسیدن به منافع ملی و توسعه کشور است به شکل مطلوب اعمال نمایند؛ بی‌هراس از تعقیب کیفری، آنچه را می‌اندیشند بیان کنند، آنچه را صلاح می‌دانند پیشنهاد کنند و عقاید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را در تهیه طرحها و یا در اظهار نظر نسبت به لوایح منظور نمایند [۴۸، ص ۷۵].



واقعیت آن است که امروزه افراد اجتماع از آنهایی که دارای حقوق و اختیارات زیاده‌تری هستند، هم توقع بیشتری دارند و هم آنان را زیاده‌تر مورد بغض و کینه توزی قرار می‌دهند. حال چون اعضای مجالس قانونگذاری دارای قدرت و اختیارات زیادی هستند، قطعی است که اگر دارای امتیازات خاصی نباشند، نمی‌توانند با آزادی انجام وظیفه کنند و هر لحظه ممکن است در معرض تهدید واقع شوند [۲۲، ص ۱۲۳]. در بخشی از مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی ق. ا. ج. ا. ا. در توجیه مصونیت نمایندگان آمده است: «... شما الآن برای هر کس که مسئول است، چون یک مسئولیت بزرگتر به دوش او گذاشته‌اید، او را در معرض توطئه قرار داده‌اید؛ بنابراین در حقیقت این [مصونیت بخشی] مقابله با توطئه‌های احتمالی است که علیه یک شخص مسئول می‌شود و یک نوع جلوگیری از اعمال فشار بر نماینده است...» [۲۴، ص ۹۱۱]. برای نمونه، در عمل مقامهای مختلف دولتی ممکن است مرتکب جرائمی شوند و دلالی مبتنی بر ارتکاب جرم از خود باقی نگذارند. بنابراین نماینده مجلس بدون اینکه محتاج به ارائه اسناد و مدارک باشد، باید امکان معرفی خاطیان را داشته باشد. حال اگر وی فاقد مصونیت باشد، از عهده این کار بر نخواهد آمد و افراد خاطی ممکن است در صدد انتقام جویی از او برآیند [۲۲، ص ۱۲۴]. پس نماینده باید از «تضمین سیاسی» کافی برخوردار باشد تا در انجام وظایف خود، استقلال و جرأت کافی برای طرح انتقاد و بیان ایراد نسبت به مسئولان اجرایی، قضایی و انتظامی و سیاسی را داشته باشد [۱۰، ص ۵۳].

در این زمینه در کتاب «چگونگی کارکردهای پارلمان» نوشته «اس. ان. دارکوا» و «ک. ب. آینسو» دو تن از کارمندان مجرب پارلمان کشور غنا آمده است: «امتیازات و مصونیت‌های پارلمانی، حقوق ویژه‌ای هستند که رئیس پارلمان، اعضای پارلمان و مأموران رسمی آن از آنها برخوردارند. این حقوق به منظور حمایت از عملکردهای ایشان در راستای انجام مطلوب وظایف نمایندگی مقرر گردیده است. بدون این پاسداشت که برای سایر شهروندان فراهم نیست، اعضای پارلمان به سختی در اجرای وظایف خویش محدود خواهند شد. آنها در قبال فشارها، چلاننها و انگیزشهای ناشی از حکومتیان مقتدر و گروههای فشاری که با طرح دعاوی و یا تهدید، در پی محدود ساختن آزادی بیان و اظهار عقیده نمایندگان هستند آسیب پذیر و بی دفاع خواهند شد» [۴۹].



لذا اعضای پارلمان بدون هر مداخله از سوی قوه مجریه یا قوه قضائیه، باید قادر باشند آزادانه صحبت و انتقاد کرده، از طرح دعاوی راجع به توهین و افترای احتمالی در رعب و تهدید قرار نگیرند [۵۰]. در چنین وضعیتی است که آنها می‌توانند با اطمینان کامل به ایفای وظیفه خود بپردازند.

۵-۴. توجیه فلسفه وجودی مصونیت پارلمانی با توجه به شخصیت حقوقی نمایندگان

در علم حقوق، شخصیت عبارت از قابلیت است در انسان که بتواند در جامعه دارای حق و تکلیف گردد و آن را با واسطه یا بدون واسطه اجرا نماید. همچنین شخص حقوقی به کسی گفته می‌شود که بتواند دارای حق گردد و عهده‌دار تکلیف شود و بتواند آن را اجرا کند. بنابراین هر یک از افراد انسان در جامعه دارای شخصیت حقوقی است و می‌تواند به وسیله آن دارای حق و تکلیف گردد و آن را اجرا نماید. این قابلیت از سوی خداوند به اعتبار طبیعت انسانی در او به ودیعه گذاشته شده است و بدین جهت انسان را شخص طبیعی می‌نامند [۴۹، صص ۱۵۱-۱۵۰].

به این ترتیب از نظر حقوقی، اشخاص بر دو گونه‌اند:

۱- اشخاص حقیقی یا طبیعی^۱. که ناظر بر افراد بشر است.

۲- اشخاص حقوقی یا قانونی^۲. شخصیت حقوقی تنها محدود به افراد بشر نیست. در واقع گروه‌های مختلف، جمعیتها، مؤسسات و سازمانها با یک دسته حقوق و تکالیف مشابه اشخاص حقیقی، دارای شخصیت حقوقی‌اند. اشخاص حقوقی اصولاً از اجتماع اشخاص حقیقی که برای هدف معینی همکاری می‌کنند، تشکیل می‌شود [۵۰، ص ۱۸۶].

از دقت در وظایف حساس نمایندگی با در نظر داشتن اهمیت نهاد نمایندگی به خوبی آشکار می‌شود که نماینده با افراد عادی در اظهار نظر و بیان مطالب، تفاوت بارزی دارد. نماینده با این عنوان و هنگامی که در مقام و موقعیت نمایندگی قرار می‌گیرد، صرفاً نمی‌تواند یک شخص حقیقی تلقی شود؛ بلکه در معنای تحلیلی - حقوقی، یک شخصیت حقوقی قانون اساسی است که اصولاً مفروض این است که اختیارات و خواسته‌های مردم در آن تجمع یافته است. بدین جهت بازداشت نماینده اگر در موقعیت اظهار مطالب مربوط به نمایندگی

1. Natural Persons
2. Juristic/Legal Persons



انجام شود، بازداشت اراده مردم است، هر چند که مطالب اظهار شده او بر خلاف واقع باشد. چه اینکه هر گاه قرار باشد نماینده در برابر هر مطلب خلاف واقع مورد پیگرد قرار گیرد، هرگز نمی‌تواند وظیفه تحقیق و تفحص و نمایندگی خود را ایفا کند. بدیهی است شخصیت حقیقی نماینده همچون سایر افراد است و به این اعتبار اگر نماینده‌ای در روابط شخصی خود با افراد مرتکب افترا یا جرم دیگر شود، مصون از پیگرد نخواهد بود [۸۰، ص ۳۳].

مشابه شخصیت حقوقی نمایندگان را در شخصیت حقوقی والی و زمامدار مسلمین نیز می‌توان یافت. در نوشته‌های فقهی، مواردی است که برای والی و زمامدار مسلمین، حقوق و تعهداتی به عنوان حیثیت و منصبی که واجد آن هست، پیش‌بینی شده است. برای نمونه، فقها در مواردی از مالکیت «امام» یا مدیر شدن او نه به اعتبار شخصی، بلکه به اعتبار منصبی که عهده دار آن است، صحبت کرده‌اند. بررسی و مطالعه هر یک از این موارد، این استنباط را به وجود می‌آورد که سمت و منصب «امامت»، صلاحیت تمتع حقوق و عهده داری تکالیف را دارد و در نتیجه این عنوان، واجد «شخصیت حقوقی» است. بنابراین، تصدی رهبری جامعه به شخص حقیقی، شخصیت حقوقی می‌دهد [۵۱، ص ۲۲۲].

با این تفصیل، مصونیتی که به موجب قانون اساسی برای نمایندگان پارلمان مقرر می‌گردد، اصولاً یک امتیاز و مصونیت شخصی نیست؛ بلکه مصونیتی شغلی (به اعتبار منصب نمایندگی) است که به منظور ایفاء وظایف در بهترین شکل، پیش‌بینی شده است. بنابراین نمی‌توان آن را تبعیض آمیز یا امتیازی برای شخص نماینده دانست. بدین لحاظ، این نهاد با مفهوم تساوی حقوق افراد در برابر قانون نیز مغایرتی ندارد. در جریان تصویب اصل ۸۶ در مقابل دیدگاه مخالف، دیدگاه مستدل کسانی که بر شخصیت حقوقی نماینده تأکید داشته، بر این اساس به توجیه فلسفه مصونیت پارلمانی پرداخته‌اند، شایان توجه است. در این خصوص، آیت‌الله خزعلی در بخشی از توجیهات خود در اثبات مصونیت برای نمایندگان اظهار داشته است: «گاهی پُست، حساس است و طمع دیگران را برمی‌انگیزد که دسیسه کنند و روی دسیسه، کسی را از کار بیندازند و یا اینکه گاهی مسئولیت مملکت خطیر است؛ اصلی دارد در مجلس می‌گذرد، به این نماینده به بهانه‌ای اتهام می‌زنند و او را بازداشت می‌کنند تا آن اصل از مجلس بگذرد. پس به صرف اتهام ممکن است یک نظر ذی اثر را لغو کنند. این جهت برای پُست است، برای وظیفه است، نه برای شخص» [۲۴، ص ۹۳۳]. جالب آنکه در نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر - راجع به شرایط قاضی - در همین باب آمده است: «وَأَعْطِ مَنْ الْمُنْزَلِ لَدَيْكَ مَا لَا يَطْمَعُ فِيهِ غَيْرُهُ مِنْ خَاصَّتِكَ، لِئَامِنْ بِذَلِكَ اغْتِيَالٌ (اغْتِيَابُ) الرِّجَالِ لَهُ عِنْدَكَ»:



و از نظر مقام و منزلت آن قدر او را گرامی دار که نزدیکان تو به نفوذ در او طمع نکنند تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشد [۵۲، ص ۵۷۷]. بر این پایه، مصونیت قضایی که امروزه در همه نظامهای حقوقی پذیرفته شده، به جهت جایگاه و موقعیت ویژه دادرسان و به منظور حراست از شأن و اقتدار مقام قضا است.

به هر حال، در دکترین حقوقی، شخصیت حقوقی نمایندگان همواره مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است و به این لحاظ، در قبال عقاید و آرای مطرح شده، بهره‌مند از مصونیت شناخته شده‌اند [۵۳، ش ۱].

۶- مبانی قانونی مصونیت پارلمانی

نظامهای مختلف جهان که ضرورت پیش‌بینی و پذیرش اصل مصونیت پارلمانی را دریافته بودند، در جهت نمایان ساختن وجهه مردم سالارانه خویش و بهره‌مندی از حمایت‌های عمومی، صیانت از نهاد نمایندگی را پذیرفتند. لذا مصونیت قانونی نمایندگان به تدریج گسترش یافت و تقریباً جز در چند کشور معدود همچون عربستان سعودی و قطر [۵۴]، در تمام کشورها و از سوی قانونگذار همه آنها مورد حمایت قرار گرفت.

آنچه در این میان مشهود است، روند رو به رشد رویکرد قانونگذاری کشورها به مصونیت پارلمانی است. در این ارتباط، افزایش تضمین‌ها و حمایت‌های قانونی از مصونیت پارلمانی، در سطح ملی یا در عرصه فرا ملی، مؤید این مدعا است. حتی در کشورهایی که پیشتر، مصونیت نمایندگان از نظر قانونی به رسمیت شناخته نشده بود، در اثر ضرورت‌های کنونی، قانونگذار آن کشورها به پذیرش این تأسیس سوق داده شده است. البته موضع قانونگذار برخی کشورها را که در نتیجه صلاحیت بر تحدید یا تغییر دامنه مصونیت، دگرگونی یافته است، نباید نادیده گرفت. برای نمونه، در استرالیا در ابتدا مصونیت پارلمانی ناظر بر دعاوی حقوقی و کیفری بوده است، تا اینکه در سال ۱۹۷۹ به دعاوی کیفری در ارتباط با اقدامات سیاسی عضو پارلمان محدود گردید. از سال ۱۹۹۶ پیگردهای قانونی در عمل و در مورد اقداماتی که به اعتبار توهین آمیز بودن افعال نماینده اتخاذ می‌گردد، مجاز شمرده شده است. در بلژیک هم تمامی اقدامات رسمی و پیگردهای قانونی علیه نماینده یا توقیف وی در موارد کیفری (جز در حالت جرم مشهود) تا قبل از بازنگری قانون اساسی این کشور در سال ۱۹۹۷ منوط به کسب اجازه پیشین نهاد تعقیب از مجلسی بوده که نماینده به آن انتساب می‌یافت؛ اما از زمان این بازنگری، عملاً بیشتر این اقدامات بدون اجازه ابتدایی



مجلس مربوط می‌توانند انجام شوند. این امر حتی در فرضی است که موارد خاصی از اقدامات، از قبیل بازجوییها و مصادره اموال، جز با حضور رئیس مجلس امکان انجام نداشته باشند. با وجود این، فقط در دو مورد، سلب مصونیت و کسب رضایت از مجلس همچنان ضروری است: احضاریه مبنی بر لزوم حضور در یک دادگاه، و توقیف عضوی از پارلمان [۵۳، ش ۲].

علی‌رغم تغییرات حادث، هیچگاه مبنای قانونی استوار مصونیت پارلمانی پس از شکل گیری از بین نرفته است.

۶-۱- قوانین اساسی کشورها

امروزه، اصل مصونیت پارلمانی را در کنار سایر اصول قوانین اساسی کشورهای مختلف جهان می‌توان یافت [۵۳، ش ۲]. با توجه به اینکه قانون اساسی هر کشوری به عنوان نماد میثاق جمعی و به استناد اصل برتری آن بر سایر قوانین، در رأس جای گرفته است، لذا مهمترین مبنای قانونی مصونیت پارلمانی شناخته می‌شود. اهمیت ویژه قانون اساسی و برجستگی آن در میان تمامی قوانین و مقررات، در حقیقت به سبب ارتباطی است که این قانون با ساختار کلی حقوقی - سیاسی هر کشور دارد. احترام به قانون اساسی به معنای تضمین ثبات، تداوم و استحکام چارچوبهای دولت - کشور و رژیم سیاسی مستقر در هر جامعه کشوری است [۴۳، ص ۶]. با توجه به این موضوع، توجیه واحدی در این زمینه قابل طرح است و آن اینکه اهمیت بالای نهاد نمایندگی و لزوم صیانت از حریم اراده مردم، تنصیب اصل مصونیت پارلمانی را در متن قانون اساسی موجب گردیده است. بر این پایه، قوانین اساسی کشورهای مختلف جهان، هر یک حسب مورد، در بردارنده اصل یا اصول جامع و مانعی در زمینه مصونیت نمایندگان می‌باشند. اصول مذکور هر چند از نظر شکلی و محتوایی تا اندازه‌ای با هم متفاوتند، لکن از نظر فلسفه وجودی در حکم واحدند.

۶-۲- قوانین و مقررات عادی کشورها

در برخی کشورها مصونیت نمایندگان به وسیله قوانین و مقررات عادی به رسمیت شناخته شده است. پذیرش مصونیت پارلمانی در قوانین عادی از دو منظر قابل توجیه است. نخست آنکه قانونگذار کشورها برای تحکیم هر چه بیشتر مبنای قانونی این اصل و تبیین جزئیات آن، علاوه بر قانون اساسی، اقدام به وضع قواعد و مقرراتی در خصوص مصونیت نمایندگان در ضمن قوانین عادی کرده است و دوم آنکه به دلیل عدم تصریح بر اصل مصونیت پارلمانی در



قانون اساسی یک کشور، قانونگذار آن کشور اقدام به ایجاد مبنای قانونی برای آن نموده است. در مورد نخست، قوانین عادی را می‌توان واجد جنبه تکمیلی دانست. برای مثال، در قانون آیین دادرسی کیفری برخی کشورها به ویژه کشورهای تابع نظام کامن لا موادی به مصونیت نمایندگان پارلمان اختصاص یافته است که متضمن قواعد شکلی جامعی در زمینه نحوه تعقیب، تشریفات رسیدگی به جرائم آنها، موارد سلب مصونیت و غیره است [۴۰]. اغلب نیز مقرراتی در آیین نامه‌ها یا نظام نامه‌های داخلی مجالس پارلمانی کشورها راجع به مصونیت نمایندگان آمده است. اما در حالت دوم باید از قوانین و مقرراتی یاد کرد که به دلیل خلأ موجود در قانون اساسی یک کشور، مستقلاً به مصونیت پارلمانی نمایندگان پرداخته‌اند. برای نمونه در کشورهای نیوزیلند و سریلانکا به موجب قانون مصوب پارلمان، مصونیت پارلمانی مقرر گردیده است. در جمهوری فدراتیو روسیه نیز در سالهای اخیر به موجب قانون فدرال، در خصوص جایگاه نماینده شورای فدراتیو و نماینده دوما (مجلس فدرال روسیه) مقرراتی وضع شده است [۵۳، ش ۳].

در مارس ۱۹۹۹، «بوریس یلتسین»^۱ رئیس جمهور اسبق جمهوری فدرال روسیه - به سندی در خصوص مصونیت نمایندگان و مزایای آنها رأی داد. او چند ماه بعد نیز آن را امضا کرد تا اینکه در قالب قانون فدرال «راجع به جایگاه قانونی نماینده...» در ۸ ژوئیه ۱۹۹۹ به مرحله اجرا درآمد. این قانون، متضمن مصونیت نمایندگان از تعقیب است. به موجب ماده ۱۹: «مصونیت پارلمانی نسبت به هر عضوی از اعضای شورای فدراتیو و دوما ی دولتی در طول دوره نمایندگی اعمال می‌شود. بدون کسب اجازه اکثریت اعضای مجلس پارلمانی مربوط هیچ نماینده‌ای مواجه با مسئولیت کیفری، اداری، حبس، توقیف، تفتیش یا بازجویی نخواهد شد؛ مگر اینکه در صحنه جرم دستگیر شود. نمایندگان را نمی‌توان تحت نظر قرار داد، مگر در مواردی که به موجب قانون فدرال، این اقدام در جهت تضمین ایمنی سایر شهروندان مورد تأیید و تصویب قرار گیرد». این مصونیت به مسائل حقوقی هم تسری می‌یابد [۵۵].

۳-۶ قوانین حمایتی و قرار دادهای چند جانبه فرا ملی

با گسترش روابط کشورها در ابعاد مختلف و شکل گیری پارلمانهای فراملی، ضرورت پیش‌بینی مصونیت پارلمانی، در حوزه‌ای وسیعتر از نظام ملی کشورها مطرح گردید. لذا در

۱. Boris Yel'tsin.



مقررات مصوب این پارلمانها، مواد جامعی به مصونیت نمایندگان اختصاص یافت که ضمانت اجرای آنها حتی به قلمرو نظام داخلی هر یک از کشورهای عضو نیز قابل تسری است. مطالعه مقررات و مصوبات پارلمانهای فراملی و منطقه‌ای در زمینه مصونیت پارلمانی نه تنها در شناخت بیشتر رویکرد دولتهای عضو آنها به این تأسیس سودمند است، بلکه بررسی تطبیقی قواعد و مقررات راجع به مصونیت نمایندگان را در حوزه‌ای وسیع تسهیل می‌کند. همچنین بررسی و مطالعه آنها بی‌گمان در هدایت قانونگذار نظامهای ملی در اتخاذ یک موضع واقع بینانه، تأثیر گذار خواهد بود؛ زیرا جوانب و ابعاد گسترده مصونیتی که در جهت حمایت کافی از نمایندگان عضو این پارلمانها مقرر شده است، منطبق با آخرین رهیافتهای خرد بشری است و از چنان جامعیتی برخوردار است که در عمل با رویکرد هیچیک از کشورها قابل مقایسه نیست.

۶-۳-۱ اتحادیه بین المجالس^۱

اتحادیه بین المجالس، مرکز ثقل اراده ملتها و کانون گفت‌وگو پارلمانی است. این اتحادیه که نهادهای فراملی متشکل از ۱۴۵ دولت مستقل حاکم - از جمله جمهوری اسلامی ایران - است [۵۶]، در سال ۱۸۸۹ در ژنو (سوئیس) پایه گذاری شد [۵۷]. به این ترتیب با توجه به دیرینگی و تعداد دولتهای عضو، این اتحادیه قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین نهاد همکاری میان مجالس قانونگذاری شناخته می‌شود که آرمان اساسی آن، ارتقا و تحکیم دموکراسی پارلمانی^۲ در عرصه جهانی است [۵۸]. این نهاد، از زمان تأسیس، به گردآوری و تبادل اطلاعات و انجام مطالعات تطبیقی اقدام و به پارلمانهای دولتهای عضو مساعدت فنی نموده است [۵۹].

دولتهای عضو در نشستهای این اتحادیه، به عنوان بزرگترین مجمع جهانی در کنار سازمان ملل متحد، دیدگاههای خود را درباره مسائل مهم پارلمانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و قضایی، علمی و آموزشی و نیز حقوق بشر تبیین می‌کنند. مصوبات این نشستها در اتحادیه، بازتابی از تبلور عقاید و افکار عمومی جهان است. البته اگر چه این مصوبات از ضمانت اجرای کافی برخوردار نیست و این مسأله، امری معمول در سایر سازمانهای بین المللی است [۵۸]، لکن به موجب بند ۲ ماده ۲ نظامنامه اتحادیه بین المجالس،



1. Inter Parliamentary Union (IPU)

2. Representative Democracy

مصوب ۱۹۷۶، هر دولت عضو اتحادیه به اصول موجود، وفادار بوده از مقررات مصوب آن پیروی خواهد کرد [۶۰].

اما به هر حال، اتحادیه بین المجالس که با تکیه بر همکاری پارلمانهای از سراسر جهان، در جهت تحقق اهداف عالی خود گام برمی دارد [۶۱]، از مصونیت نمایندگان پارلمانها همواره پشتیبانی کرده است. این موضوع در نشستهای «کمیته ویژه حقوق انسانی نمایندگان» که از کمیته‌های چهارگانه وابسته به این اتحادیه است، بارها مورد توجه قرار گرفته است؛ برای نمونه، این کمیته در نود و ششمین نشست خود که با حضور دبیر کل اتحادیه بین المجالس، رئیس کمیته و نیز رئیس شورای بین المجالس ایران از چهاردهم تا هفدهم ژانویه ۲۰۰۱ در ژنو برگزار گردید، به بررسی وضعیت حقوق بشر و مصونیت نمایندگان مجالس دنیا پرداخت. در همین نشست، موضوع احضار، تعقیب و محکومیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و مواضع این مجلس در خصوص تحت تعقیب قرار گرفتن نمایندگان، تشریح و به پرسشهای اعضای کمیته پاسخ داده شد. در این نشست بر حل مسائل مربوط به نمایندگان مجلس ایران از طریق ساز و کارهای داخلی تأکید گردید و از آن به عنوان بهترین راهکار حل مشکلات نمایندگان یاد شد [۶۲].

۶-۳-۲- پارلمان اروپا^۲

مهمترین قواعد و مقررات راجع به مصونیت پارلمانی در سطح منطقه‌ای و فراملی را در پارلمان اروپا باید جستجو کرد. این پارلمان که از نمایندگان پارلمانهای کشورهای عضو اتحادیه اروپایی^۳ تشکیل گردیده است، از ترتیبات و مقررات جامعی در زمینه مصونیت نمایندگان خود برخوردار است. این پارلمان صرفاً توصیه‌هایی را به دولتهای عضو خود ارائه می‌نماید و در عمل، قانونگذاری نمی‌کند [۵۰، ص ۱۸۲].

در «پیش نویس نهایی مقررات راجع به مصونیت پارلمانی در پارلمان اروپا و دولتهای عضو اتحادیه اروپا» در مورد دامنه مصونیت اعضا، اقسام مصونیت، ضمانت اجرای حمایت از مصونیت نمایندگان و مقایسه رویکرد کشورهای عضو، به طور مبسوط مباحثی مطرح شده است. این پیش نویس که در بهار ۲۰۰۱ تکمیل گردید، قواعد مصونیت پارلمانی را از

1. Committee on the Human Rights of Parliamentarians (CHRP)

2. European Parliament

3. European Unity



طریق «مرکز اروپایی پژوهش پارلمانی و ارائه اسناد»^۱ ارائه می‌دهد [۱۴، صص ۱۸ - ۱]. این مرکز یک مجموعه همکاری در کنار پارلمان اروپا و مجلس پارلمانی شورای اروپا است و در سال ۱۹۷۷ به موجب کنفرانس رؤسای مجالس پارلمانی ایجاد گردید. در حال حاضر، این نهاد از نمایندگان ۱۴ کشور عضو و ۷ کشور میهمان تشکیل می‌گردد و در حدود ۷۰ کشور نیز با این مرکز - که در شهر بروکسل (بلژیک) واقع است - همکاری می‌کنند [۶۲].

ماده ۲۸ معاهده ۸ آوریل ۱۹۶۵، یک شورای واحد و یک کمیسیون را در ارتباط با جوامع اروپایی بنیان می‌نهد (بیمان یکپارچگی). به موجب این ماده، نمایندگان جوامع اروپایی در سرزمینهای دولتهای عضو از همان امتیازات و مصونیتهایی که در راستای انجام و اجرای وظایف آنها لازم و ضروری است، برخوردار می‌باشند. این امر، تحت شرایطی است که در پروتکل الحاقی به این معاهده مطرح گردیده است. مواد ۹ و ۱۰ این پروتکل تحت عنوان «پروتکل امتیازات و مصونیتهای جوامع اروپایی»^۲ بر اصل عدم مسئولیت و اصل عدم تعرض در خصوص اعضای پارلمان اروپا تأکید می‌کنند. طبق ماده ۹ این پروتکل: «اعضای پارلمان اروپایی به هیچ نحوی، به لحاظ عقاید اظهار شده یا آرای مطرح شده توسط آنها در راستای انجام و اجرای وظایف خویش، مورد بازجویی، توقیف یا پیگردهای قانونی قرار نمی‌گیرند». همچنین به موجب ماده ۱۰ پروتکل: «در جریان نشستهای پارلمان اروپایی، اعضای آن [از امتیازات ذیل] برخوردار خواهند شد:

- الف) در قلمرو دولت خود، از همان مصونیتهای اعطایی به اعضای پارلمان کشورشان بهره‌مند خواهند شد؛
- ب) در قلمرو هر دولت عضو دیگر، از هر اقدامی در زمینه توقیف یا پیگردهای قانونی، مصون خواهند بود.

«مصونیت همچنین نسبت به اعضا آنگاه که در حال آمد و شد به محل برگزاری نشست پارلمان اروپا باشند، اعمال خواهد شد. «مصونیت در زمانی که عضوی در جریان ارتکاب جرمی مشاهده شود، نمی‌تواند مورد ادعا واقع شود و پارلمان اروپایی را از اعمال حق خود در جهت اعراض از مصونیت یکی از اعضا باز نخواهد داشت» [۱۴، صص ۴۶ - ۴۵].

در تصمیم متخذه در ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۳، پارلمان اروپا خود را برای طرح بازنگری پروتکل مذکور، به منظور جرح و تعدیل و نیز انطباق آن با الگوی نوینی از ترکیب پارلمان متعهد گرداند.



1. The European Center for Parliamentary Research and Documentation (ECPRD)
2. The Protocol on the Privileges and Immunities of the European Communities (PPI)

این امر در جهت یکسان سازی مقررات دولتهای عضو و رفع ناهمخوانی عملکرد آنها در رویارویی با مقوله «مصونیت پارلمانی» انجام می‌یافت؛ لکن با وجود درخواستهای پیاپی پارلمان اروپایی به منظور اقدام در این خصوص، تا کنون تصمیمی در زمینه اصلاح مواد ۹ و ۱۰ پروتکل اتخاذ نشده است. لذا این مواد همچنان واجد آثار قانونی بوده در بین دولتهای عضو لازم الاجرا می‌باشند [۱۴، صص ۴۷ - ۴۶].

۷- صور مصونیت پارلمانی

بیشتر نظامهای پارلمانی، چه در سطح ملی و چه در عرصه فرا ملی، حمایت دو گانه‌ای را برای اعضای پارلمانها مقرر داشته‌اند. این حمایت در دو صورت، مطرح است. نخست، اصل عدم مسئولیت^۱ یا مصونیت ماهوی که ناظر بر مصونیت نماینده یا به طور کلی اعضای مجلس یا مجالس قانونگذاری در قبال اظهارات، عقاید و آرای مطرح شده در راستای انجام و ایفای وظایف نمایندگی است. بر این اساس، آنها به سبب گفته‌های خود پاسخگو نخواهند بود. دوم، اصل تعرض ناپذیری^۲ که به معنای ممنوعیت تعقیب، توقیف، دستگیری یا انجام سایر اقدامات و رسیدگیهای قضایی در خصوص نمایندگان است؛ آن هم بدون تجویز مجلسی که نمایندگان به آن منتسب می‌باشند. این اصل از نماینده در برابر اقدامات قانونی علیه او به جهت اعمال غیر مرتبط و خارج از حدود نمایندگی حمایت می‌کند.

این دو مفهوم با گذشت سالها به شکل دو مقوله متمایز مطرح گردیده‌اند. الگوی فرانسه که مبتنی بر این دو مؤلفه است، بیشترین موفقیت را ابتدا در اروپا و مستعمرات پیشین در پی داشته است. اصل عدم مسئولیت نیز اصل نسبتاً همگن و یکدستی بوده، تا حد زیادی در سراسر پارلمانهای جهان ثابت و استوار است؛ این در حالی است که اصل عدم تعرض به طور فزاینده‌ای از سوی نظامهای پارلمانی با چالش روبه رو می‌شود [۱۴، صص ۴۷ - ۴۶].

باید توجه نمود که گاه این دوگانگی مفاهیم از نظر مطالعه تطبیقی بی اهمیت است؛ زیرا در برخی کشورها همچون هلند، اعضای پارلمان اساساً از اصل تعرض ناپذیری بهره‌مند نیستند. در انگلستان و ایرلند نیز اعضای پارلمان از این حیث، از مصونیت اندک و مختصری برخوردار شده‌اند [۱۴، ص ۸].

1. The principle of non-liability or irresponsibility

2. The principle of inviolability



۱-۷- مصونیت پارلمانی به معنای اعم یا اصل عدم مسئولیت

اصل عدم مسئولیت، نمایندگان را به جهت اظهارات و آرای آنها در انجام وظایف نمایندگی در برابر هرگونه تعقیب، توقیف یا اقدام قضایی دیگر حمایت می‌کند. این اصل که به تعبیری عمومی‌تر با «آزادی بیان»^۱ اعضای پارلمان سروکار دارد، در حقیقت نوعی مصونیت ماهوی است؛ بدین معنا که نماینده به سبب گفتار، نوشتار، تصمیمات و موضع‌گیریهای خود در مقام ایفای وظیفه نمایندگی نباید مورد تعقیب و مؤاخذه واقع شود. هیچ کس حق ندارد نماینده را بابت انجام وظایف نمایندگی تحت پیگرد قرار دهد. نماینده در جلسات علنی و غیر علنی سخنرانی می‌کند، از کارکرد دولت انتقاد می‌نماید، از وزیران سؤال می‌کند یا آنها را مورد استیضاح قرار می‌دهد، در کمیسیونها با لوائح دولت مخالفت می‌ورزد یا اینکه پیشنهادهای قانونی مخالفی ارائه می‌دهد و همچنین در نطق پیش از دستور ممکن است از اشخاص عادی یا شخصیت‌های اجتماعی، سیاسی انتقاد کند یا برخی افشاگریها به عمل آورد یا بی‌رویکی و نابسامانیها را بر ملا سازد [۶، ص ۲۲۱]. در تمامی این حالات، اظهارات و اقدامات نماینده که به مناسبت انجام وظایف نمایندگی انجام می‌پذیرند، جرم نیستند و به هیچ عنوان نمی‌توان وی را تحت تعقیب قرار داد؛ این در حالی است که چه بسا ایراد آن اظهارات و انجام آن اعمال از سوی اشخاص عادی، جرم تلقی شود. بنابراین، هرگاه نماینده پارلمان به کسی اسناد بزه سرقت، ارتشا و یا قتل دهد، بدون آنکه صحت ادعای خود را ثابت نماید، گرچه هر یک از این اعمال خود به تنهایی جرم و قابل تعقیب هستند، ولی نماینده مجلس در این موارد و نظایر آنها هیچ‌گونه مسئولیتی، خواه حقوقی و کیفری و خواه سیاسی نخواهد داشت؛ مشروط بر آنکه ارتکاب این اعمال به سبب انجام وظیفه نمایندگی باشد [۶، ص ۴۱].

به این لحاظ، عدم مسئولیت پارلمانی به نظر امتیازی شگفت و در عین حال لازم و ضروری است. این امتیاز از این نظر شگفت به نظر می‌رسد که نماینده مجلس را از حیطه قدرت ابتدایی‌ترین اصل فطری و جزایی، یعنی «هر کس باید به مجازات جرمی که مرتکب شده است برسد»، خارج می‌سازد. در پناه اصل عدم مسئولیت پارلمانی، نماینده مجلس قادر است لاینقطع قانون کیفری را لگد مال کند، به افراد و دولت افترا بتد، مردم را برای ارتکاب جرم تحریک نماید و به مقامات و مأموران دولتی توهین کند، بدون اینکه بیمی از پیامدهای اقوال و افعال خود داشته باشد [۶، صص ۲۲۱ - ۲۲۰]. در صورتی که اگر کسی به تبعیت از بیانات



او مرتکب جرمی شود، تعقیب و مجازات می‌شود، برای نماینده اصولاً و حداکثر جز توبیخ و تنبیه انضباطی طبق آیین نامه داخلی مجلس، کیفر دیگری وجود ندارد. مع نلک هر قدر این امتیاز شگفت به نظر رسد، اعطای آن به نماینده تا حدی ضروری است که عملاً تمام قوانین اساسی کشورهای جهان بدون استثنا آن را پذیرفته‌اند. در پذیرش آن نیز چنین استدلال می‌شود که اجرای صحیح وظیفه نمایندگی، مستلزم اطمینان خاطر، آزادی و استقلال کامل است که این موضوع تا حدود زیادی با عدم تعقیب کیفری نماینده تحت لوای اصل عدم مسئولیت حاصل می‌گردد [۴۸، ص ۷۹]. بر همین مبنا، اصل ۸۶ ق. ا. ج. ا. ا. مقرر می‌دارد: «نمایندگان مجلس در ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب و توقیف کرد». علاوه بر قوانین اساسی کشورها، پارلمانهای فراملی و منطقه‌ای هم اصل عدم مسئولیت پارلمانی را پذیرفته‌اند. برای مثال، ماده ۹ پروتکل امتیازات و مصونیت‌های جوامع اروپایی اصل یاد شده را برای اعضای پارلمان اروپا به رسمیت شناخته است [۴۶، ص ۴۶].

۷-۱-۱- آثار و اوصاف اصل عدم مسئولیت

در دکتترین حقوقی، برای اصل عدم مسئولیت، آثار و اوصافی برشمرده‌اند که تشریح آنها، شناخت صحیح دامنه و مقتضیات این اصل را تسهیل می‌کند.

اول - تداوم

عدم مسئولیت نماینده، دائمی است؛ یعنی نماینده پارلمان نه فقط در دوره نمایندگی، بلکه پس از انقضای این دوره نیز به سبب اظهارات و آرای که در جهت ایفای وظیفه نمایندگی مطرح ساخته است، مصون از تعقیب خواهد بود [۱۴، ص ۱۰]. به این اعتبار، هر چند آزادی نطق نماینده در زمان انقضای دوره نمایندگی یا انحلال پارلمان خاتمه می‌یابد، اما عدم مسئولیت وی در قبال آرا و عقاید مطرح شده در جریان اعمال وظیفه نمایندگی همچنان تداوم خواهد یافت؛ این موضوع از سوی تمامی کشورهای که در نشست مسکو در سپتامبر ۱۹۹۸ شرکت داشته‌اند، تأیید گردیده است [۵۲، ش ۱۲].

ضرورت تداوم عدم مسئولیت این گونه قابل توجیه است که تهدید تعقیب بعد از انقضای دوره نمایندگی، استقلال و آزادی عمل نماینده را در دوره نمایندگی از بین می‌برد و یا به شکل بارزی، محدود می‌کند که بدون تردید، این امر خلاف فلسفه وضع این اصل است [۶۴، ص ۴۳].



دوم - برخورداری از جنبه عمومی

اصل عدم مسئولیت، واجد جنبه عمومی است. منظور از وضع این اصل، صرفاً حمایت از شخص نماینده نیست، بلکه غرض اصلی، تأمین استقلال پارلمان و حفظ منافع جامعه و نظام پارلمانی است. بنابراین نماینده پارلمان نمی‌تواند نسبت به بهره‌مندی از اصل مذکور صرف نظر کند و مسئولیت اقوال و افعال نمایندگی خود را بر عهده گیرد. حال اگر نماینده تعهد نماید که در مقام تعقیب کیفری از امتیاز عدم مسئولیت پارلمانی استفاده نخواهد کرد، چنین تعهدی دارای ارزش قضایی نیست و ایراد عدم مسئولیت پارلمانی در اصطلاح آیین دادرسی، مانند ایراد عدم صلاحیت است که قاضی در هر مرحله از دعوا باید رأساً به آن توجه کرده، بدون انتظار ایراد طرفین در صورت تحقق عدم صلاحیت، قرار مقتضی را صادر نماید و گرنه متخلف محسوب می‌شود [۶۴، ش ۲].

به رغم اثر فوق، در برخی کشورها، اصل عدم مسئولیت از جنبه خصوصی برخورداری گردیده است. برای نمونه، در کشور انگلستان از زمان تصویب قانون توهین در سال ۱۹۹۶، اعضای پارلمان نسبت به عدم استفاده از امتیاز عدم مسئولیت در محاکمات راجع به جرائم توهین آمیز، مجاز دانسته شده‌اند [۱۴، ص ۱۰]. وجود یک امتیاز شخصی، پیش‌تر به رسمیت شناخته نشده بود [۵۳، ش ۳].

رویکرد کشور انگلستان با نظر آتانی که انصراف از مصونیت را واجد جنبه خصوصی و ارادی می‌دانند، سازگار می‌نماید. بر اساس نظر آنان، مصونیت پارلمانی در معنای کلی، فاقد جنبه عمومی است و نماینده حق انصراف از آن را دارد؛ «زیرا حق مصونیت اگر چه به واسطه عرف یا شرع وضع شده باشد اما بدون شک به خاطر نماینده و به منظور حفظ مصالح نظام، وضع گردیده و معقول نیست که او را ملزم به مصالحش کنیم. معنای این سخن آن است که مصونیت پارلمانی به گونه‌ای برای نماینده وضع شده که اراده او در اعمال یا اسقاط این حق دخالت دارد» [۸، ص ۱۴۳]. از نظر ما، طرفداران این دیدگاه علاوه بر اینکه در شناخت صحیح منشأ وضع این اصل راه خطا پیموده‌اند، با فلسفه وجودی تنصیف آن نیز ناآشنا می‌باشند.

سوم - شمول

عدم مسئولیت پارلمانی علاوه بر شخص نماینده، شامل اشخاص دیگر اعم از حقیقی یا حقوقی می‌شود که به طور شفاهی یا کتبی، اظهارات و عقاید نمایندگان را در جریان



مذاکرات پارلمانی تکرار و یا منتشر می‌سازند. این اقدام در بیشتر کشورها مجاز شناخته شده است؛ مشروط بر آنکه این بازگویی، ضمن انطباق با اصول و موازین و تصدیق پارلمان مربوط، با حسن نیت انجام پذیرد. در این خصوص از کشورهای زیر می‌توان نام برد: استرالیا، بنگلادش، بلاروس، بورکینافاسو، کانادا، شیلی، کلمبیا، دانمارک، استونی، فیلیپین، فنلاند، گابن، یونان، مجارستان، هند، ایتالیا، کویت، کرواسی، مقدونیه، مغولستان، موزامبیک، نامیبیا، نروژ، اتریش، پرتغال، اسلونی، اسپانیا، سریلانکا، اروگوئه، انگلستان، زامبیا، آفریقای جنوبی و سوئد [۵۳، ش ۲۲].

برای نمونه، قانون اساسی فدرال استرالیا صراحتاً اشعار می‌دارد: «هیچ شخصی به سبب بازگویی و انتشار بیانات واقعی راجع به اجلاس‌های عمومی مجلس ملی و کمیته‌های آن مسئول شناخته نخواهد شد» [۵۳، همان]. همچنین در آلمان، قانون مصوب پارلمان مقرر می‌دارد: «هیچ شخصی به سبب گزارش صحیح و دقیق اظهاراتی که در اجلاس‌های عمومی مجلس فدرال (بوندستاگ) و کمیته‌های آن مطرح گردیده است، تحت پیگرد قرار نخواهد گرفت». در واقع، «مصونیت مشروط»^۱ در این زمینه اعمال می‌شود. این اصطلاح که در برابر «مصونیت مطلق»^۲ مطرح است، مبین عدم مسئولیت به سبب توهین یا افترا تحت شرایط معینی است. لذا چنانچه در روزنامه‌ای، مذاکرات پارلمانی بدون سوء نیت گزارش شود، مسئولیتی از این حیث متصور نیست [۴۱]. حال اگر روزنامه نگاری اعتقاد شخصی خود را در نقل مذاکرات دخالت دهد و به میل خود در اظهارات نمایندگان دخل و تصرف کند و در نتیجه مرتکب جرم مطبوعاتی شود نمی‌تواند متمسک به اصل عدم مسئولیت پارلمانی شود.

در مقابل موضع فوق، برخی کشورها به ویژه کنیا، جمهوری کره، مالزی، هلند، لهستان و تایلند، اساساً امتیاز و مصونیتی را به این شکل به رسمیت نمی‌شناسند [۵۳، ش ۲۶]. در ایران نیز با توجه به لزوم علنی بودن مذاکرات پارلمانی و گزارش کامل آنها از طریق رادیو و روزنامه رسمی (اصل ۶۹ ق. ا.) به نظر می‌رسد بازگویی یا انتشار گفته‌های نمایندگان در چارچوب اصول و موازین کلی، با ممنوعیت قانونی روبه‌رو نیست. بدیهی است گزارش اظهارات، صرفاً محدود و منحصر به رادیو و روزنامه رسمی نیست و لذا باید قائل به طریقت امر بود.

1 Qualified immunity
2 Absolute immunity



چهارم - اطلاق یا استثنای ناپذیری

عدم مسئولیت نمایندگان قاعداً باید از ویژگی اطلاق^۱ برخوردار باشد [۱۴، ص ۱۰]؛ مطلق به این معنا که مشمول استثناء نباشد و تمام اظهارات و آرای نمایندگان را در برگیرد. این اثر در واقع برای حمایت از آنها در قبال اتهامات واهی و احتمالی است. ایفای مطلوب وظایف نمایندگی مقتضای اطلاق عدم مسئولیت و عدم ایراد هر گونه محدودیتی بر گفته‌های نماینده است [۱۴، ص ۴۹]. بر این اساس، نماینده نباید نسبت به جرائم واقعی هم که به مناسبت انجام وظیفه مرتکب می‌گردد، مسئول شناخته شود؛ زیرا در صورتی که اصل عدم مسئولیت پارلمانی به طور مطلق مراعات نگردد و مثلاً نماینده مجلس به اعتبار بعضی از اقوال و افعال خود مسئول و نسبت به بعضی دیگر مسئول نباشد، آثار مطلوبی که از وضع اصل مذکور، مورد نظر مقنن بوده حاصل نمی‌گردد و استقلال و آزادی نماینده به طور کامل حمایت و تأمین نمی‌شود [۶۴، ص ۴۲].

اطلاق عدم مسئولیت، با نگرش به اصول ناظر بر مصونیت پارلمانی نمایندگان در قوانین اساسی اغلب کشورها قابل استنباط است. برای مثال، در ایران به موجب اصل ۸۶ ق. ا. «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگان در اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند...». منطوق این عبارت، صراحتاً بر اطلاق عدم مسئولیت نمایندگان دلالت دارد. در تأیید این وصف در ادامه اصل مذکور آمده است که «... نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد». با این وصف، اطلاق واقعی اصل عدم مسئولیت در دکتترین حقوقی پذیرفته شده است و در بسیاری از کشورها محدودیتها و استثنائاتی بر آن وارد شده است [۶، ص ۲۲۱].

الف - محدودیتهای وارد بر اطلاق عدم مسئولیت پارلمانی

چنانکه گفته شد قوانین اساسی اغلب کشورهای جهان، در ظاهر اطلاق عدم مسئولیت نماینده را در قبال آرا و اظهارات وی پذیرفته‌اند؛ لکن در عمل، این وصف را از جنبه‌های مختلف محدود کرده‌اند. لذا در نگاه اول به اصول قوانین اساسی چنین استنباط می‌شود که مطلق عدم مسئولیت نمایندگان، مورد نظر تدوین کنندگان این قوانین بوده است؛ در حالی که با تعمق بیشتر در این اصول درمی‌یابیم که شرایطی همچون لزوم ارتباط گفته‌های نمایندگان با وظایف نمایندگی، گستره اطلاق عدم مسئولیت را کاهش می‌دهد. گاه نیز در نظامنامه‌های

۱. Absolute quality

داخلی مجالس، بیانات نمایندگان، مشمول مقررات انتظامی و آیین نامه‌ای رئیس مجلس و هیأت رئیسه می‌گردد.

الف. ۱- لزوم ارتباط گفته‌ها و اظهار نظرها با وظایف نمایندگی

در اصول قوانین اساسی کشورها به نمایندگان آزادی کاملی در اظهار نظر داده شده است؛ لکن قلمرو این آزادی با قید ضرورت طرح گفته‌ها در جهت ایفای «وظایف نمایندگی» محدود گردیده است. بر این مبنا، نظامهای پارلمانی در شناسایی حق نمایندگان در آزادی نطق و ترتب آثار عدم مسئولیت، متفق‌القول بر ضرورت ارتباط سخنان با وظایف نمایندگی تأکید دارند و لذا اظهاراتی را که از ماهیتی صرفاً شخصی و خصوصی برخوردار می‌باشند، مشمول این جنبه از مصونیت نمی‌دانند، اگر چه در صحن مجلس مطرح شوند [۶۵، ش ۵۱۲]. اصل ۸۶ ق.ا. نیز این استلزام را پذیرفته است.

اکنون باید بررسی نمود که منظور از وظایف نمایندگی چیست. در دکتترین حقوقی، مهمترین مصادیق وظایف نمایندگی عبارتند از:

۱. اعمال حق حاکمیت مردم و تأمین مصالح آنها؛

۲. نظارت بر عملکرد نهادهای حکومتی و مسؤولان مملکتی؛

۳. دادن گزارش به مردم در همه امور داخلی و خارجی کشور.

بنابراین اگر به تشخیص نماینده‌ای، موضع یکی از مسؤولان مملکتی «خیانت به مردم» است و این عقیده را اظهار دارد، اقدام وی جرم نبوده، از این حیث، مسئول شناخته نخواهد شد [۲۲، ص ۷۵]. در ایران، دامنه شمول وظایف نمایندگی به موجب تبصره ماده ۷۵ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، عبارت است از: نطق قبل از دستور، بحثهای داخل دستور، بحثهای جلسات کمیسیونها، اظهار نظراتی که برای اعمال اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی انجام می‌شود و سایر موارد نظارتی و قانونی. در گذشته هم اگر چه طبق ماده ۱۸۹ آیین نامه داخلی مجلس فقط به اظهارات نمایندگان در مجلس و در کمیسیونها اشاره شده بود، لکن این احصا، مانع از تسری عدم مسئولیت به اقوال نماینده در زمان تقدیم طرح و پیشنهاد، خواندن گزارش و به طور کلی سایر موارد مشابه و مرتبط با انجام وظیفه نمایندگی نبوده است [۴، ش].

در سایر کشورها نیز امکان ابراز عقاید و آرای مختلف از سوی نماینده در مقام ایفای وظیفه نمایندگی، بدون هیچ هراسی از اقامه دعوا یا تعقیب فراهم است؛ اگر چه اظهارات نماینده



به ظاهر توهین آمیز، کفر آمیز، وقیحانه و یا احتمالاً خیانت آمیز بوده باشد. اما چنانچه اظهارات نماینده، وصف «غیر پارلمانی» بیابد و از حدود ایفای وظایف نمایندگی در گذرد، نماینده از سوی پارلمان قابل توبیخ است. به این ترتیب، مبنای «اظهارات غیر پارلمانی» آن است که خارج از محدوده وظایف نمایندگی بوده، نسبت به حیثیت یا تمامیت معنوی شخص یا اشخاصی کینه توزانه و یا توهین آمیز باشد [۷، ص ۱۱۶]

نکته حائز اهمیت آن است که عدم مسئولیت پارلمانی شامل نفس اظهارات، افعال و آرا می‌شود، نه مقدماتی که منجر به اظهارات و افعال شده است. مثلاً اگر نماینده‌ای اقدام به اخذ رشوه کند تا رأیی دهد و یا اظهاراتی نماید، نفس اظهارات و رأی هر چه باشد، نماینده عامل آن به علت ایراد اظهارات مزبور و یا دادن رأی تحت پیگرد جزایی قرار نخواهد گرفت؛ ولی به اتهام اخذ رشوه تحت تعقیب درمی‌آید و مقررات قانون کیفری در مورد ارتشا درباره او اعمال می‌شود [۷، ش]. البته در مورد ارتشای اعضای پارلمان دعوای جالبی در سالهای آغازین دهه نود در محاکم هندوستان مطرح شد که به موجب آن برخی از نمایندگان تحت تعقیب قرار گرفتند. این نمایندگان پس از واقعه مذکور، به دادگاه عالی اعتراض کرده اظهار داشتند که بر اساس اصل (۲) ۱۰۵ قانون اساسی هندوستان، اعضای پارلمان در قبال هر آنچه در پارلمان می‌گویند و هر رأیی که در پارلمان و کمیته‌های آن می‌دهند از مصونیت برخوردارند. اکثریت اعضای دادگاه عالی رأی دادند که اصل (۲) ۱۰۵ با اصل (۱) ۱۰۵ که آزادی بیان در پارلمان را تضمین می‌کند مرتبط است و برای اینکه نمایندگان بتوانند در امور پارلمان شرکت فعال داشته باشند، باید از تمامی انواع دعوای کیفری و حقوقی که ارتباطی با سخنان یا رأی آنها پیدا می‌کند مصونیت داشته باشند. بدین ترتیب دادگاه رأی داد که نمایندگان رشوه گیرنده با توجه به اینکه رشوه گرفته شده با رأی آنها مرتبط بوده است از مصونیت برخوردارند، لکن رشوه دهندگان مصونیتی ندارند؛ چرا که ارتباطی بین رشوه‌ای که پرداخته‌اند و رأیی که داده شده وجود نداشته است [۶، ص ۴۱۲].

الف. ۲- قوانین و مقررات انتظامی پارلمان

اطلاق عدم مسئولیت با محدودیت دیگری به سبب مقررات انتظامی پارلمان روبه‌رو است، به گونه‌ای که افعال و بیانات نمایندگان مجلس، مشمول صلاحیتهای انتظامی و آیین نامه‌ای رئیس مجلس و هیأت رئیسه می‌گردد. پس عدم مسئولیت پارلمانی، نمایندگان را از تعهد و



مسئولیت انتظامی در حوزه پارلمان و اعمال و اجرای موازین انضباطی معاف نمی‌کند [۱۴، ص ۹]. برای نمونه، مجلس ملی و شورای جمهوری فرانسه طبق نظامنامه‌های داخلی خود، می‌توانند نمایندگانی را که به وزرا یا سایر مأمورین دولتی و اشخاص توهین می‌کنند یا آنها را تهدید می‌نمایند و یا به وسایل دیگر باعث بی‌نظمی مجالس می‌شوند، مورد مؤاخذه قرار دهند [۶۴، ص ۲۲۱].

بنابراین از اهداف اعمال مقررات نظامنامه‌ای، تحدید دامنه اصل عدم مسئولیت پارلمانی است. با این اقدام، حمایت از پارلمان در برابر اهانت و هتک حرمت امکان‌پذیر خواهد بود. به همین دلیل در اکثر ممالک جهان، مجالس با تهیه و تنظیم و همچنین تصویب نظامنامه داخلی خود تلاش می‌کنند علاوه بر تأمین حداکثر آزادی و استقلال اعضای پارلمان در برابر مقامات خارج از این نهاد، ساز و کارهای برقراری نظم و امنیت خود را فراهم نمایند. برای مثال، چنانچه نماینده‌ای ضمن سخنرانی از حدود متعارف و مرسوم خارج شود و از مجلس یا یکی از اعضای آن هتک حرمت به عمل آورد، مجلس همانند دادگاهی به رفتار ارتكابی رسیدگی می‌کند و در صورتی که خطای نماینده مشخص شود، حسب مورد تدابیر مقتضی را اتخاذ خواهد نمود. در ایران به موجب ماده ۷۸ آیین نامه داخلی مجلس: «نمایندگان بر اساس مسئولیت نمایندگی، متعهد و ملتزم به حفظ حیثیات مجلس و نمایندگان و رعایت نظم و نوبت و اجرای آیین نامه داخلی می‌باشند. در مواردی که نماینده‌ای رعایت تعهدات فوق را ننماید، اقدامات ذیل به ترتیب از طرف رئیس به عمل خواهد آمد:

۱. تذکر شفاهی در جلسه علنی؛

۲. اخطار در جلسه علنی؛

۳. اخطار و توبیخ متخلف در جلسه هیأت رئیسه».

۷-۲- مصونیت پارلمانی به معنای اخص یا اصل تعرض ناپذیری

بیشتر نظامهای ملی، حمایت دوگانه‌ای را برای اعضای پارلمان مقرر کرده‌اند. لذا اغلب در کنار اصل عدم مسئولیت، اصل عدم تعرض یا تعرض ناپذیری نیز مطرح است. این شکل از مصونیت، نمایندگان را - جز با تجویز پارلمان مربوط - در برابر پیگردهای قانونی، توقیف، حبس و سایر اقدامات قضایی به جهت اعمال غیر مرتبط و خارج از حدود وظایف نمایندگی حمایت می‌کند و مانع از امکان تعقیب فوری آنها به سبب جرائم انتسابی می‌شود [۶۳]. این امر، در حقیقت دنباله منطقی عدم مسئولیت نمایندگان در قبال وظایف پارلمانی است [۶۷].



فلسفه وجودی مصونیت پارلمانی به معنای اخص عیناً منطبق بر فلسفه اصل عدم مسئولیت بوده، به منظور تأمین استقلال تام و تمام قوه مقننه و اعضای آن در برابر تجاوزات احتمالی قوای دیگر و به ویژه قوه مجریه پیش‌بینی شده است؛ چه در غیر این صورت به سادگی و با اسناد اتهامات واهی یا واقعی، توطئه، صحنه سازی و اسباب چینی این امکان وجود دارد که نماینده هر آن از شرکت در پارلمان و ایفای وظیفه نمایندگی محروم شود.

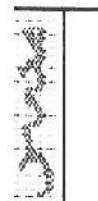
اصل تعرض ناپذیری فقط ناظر بر مصونیت نماینده از خطر توقیف و بازداشت نیست، بلکه در اصل، مبین مصونیت از هر گونه تعقیب است؛ زیرا ممکن است صرف تعقیب نماینده، بدون آنکه قصد توقیف در بین باشد، او را در انجام وظایف و ابراز عقیده حقیقی با تهدید مواجه نماید و از درجه ایستایی و استقلال کامل وی بکاهد. بنابراین، هر تعقیبی - خواه از سوی نهاد تعقیب علیه نماینده اقامه گردد، خواه از سوی اشخاص خصوصی - مشمول اصل مذکور خواهد بود.

گرچه این امتیاز در نگاه نخست به طور بارزتری نسبت به اصل عدم مسئولیت پارلمانی با اصل تساوی افراد در برابر قانون مغایر به نظر می‌رسد، اما از آنجا که وضع نماینده با افراد عادی تفاوت دارد و ممکن است جواز تعقیب وی موجب آن شود که در عمل از آن سوء استفاده به عمل آید، لذا از این حیث قابل توجیه است. تعرض ناپذیری، یعنی عدم اجرای شیوه‌های معمولی پیگرد و دادرسی و به بیان دیگر اعمال شیوه‌ها و آیینهای ویژه برای تعقیب و دادرسی نماینده متهم یا مجرم [۶۷]. هر اندازه برقراری این امتیاز به نفع نمایندگان غیر اصولی به نظر برسد، اما لزوم صیانت از استقلال و تأمین آزادی عقیده و رأی نمایندگان و در نتیجه پارلمان ایجاب کرده است که تقریباً تمام قوانین اساسی کشورهای جهان آن را بپذیرند.

علاوه بر پارلمانهای ملی، پارلمانهای فراملی نیز اصل تعرض ناپذیری را برای اعضای خود به رسمیت شناخته‌اند. برای مثال، پروتکل الحاقی امتیازات و مصونیت‌های جوامع اروپایی در ماده ۱۰ به صراحت بر این اصل تأکید کرده است [۸۴، ص ۴۷].

۷-۲-۱- آثار و ویژگیهای اصل تعرض ناپذیری

حقوقدانان برای اصل تعرض ناپذیری، همچون اصل عدم مسئولیت، آثار و اوصافی برشمرده‌اند که با مطالعه آنها، درک ماهیت این اصل و حدود تأثیر آن تسهیل می‌شود. البته



هر چند این آثار و ویژگیها حسب مورد در کشورهای مختلف پذیرنده اصل مذکور تا حدی متفاوتند، لکن در مجموع در یک چارچوب کلی قابل بررسی می‌باشند.

اول - موقتی بودن

منظور از موقتی بودن اصل تعرض ناپذیری آن است که این اصل عموماً «فقط» در طول دوره نمایندگی عضو پارلمان برقرار و مؤثر می‌باشد [۶۴، ص ۱۵]. بنابراین اگر چه در جریان دوره نمایندگی انجام پیگردها و اقدامات قانونی در خصوص نماینده جز با اجازه پارلمان و در موارد مصرح غیر ممکن است، اما بعد از انقضای این دوره، امکان تعقیب و توقیف نماینده فراهم خواهد شد و لذا «تعلیق و تعویق دعوی قانونی علیه نماینده به معنای ممنوعیت دائم آن نیست» [۶۳].

به این شکل، این ویژگی در تقابل با وصف استمرار و تداوم اثر اصل عدم مسئولیت پارلمانی قرار می‌گیرد که به موجب آن، نماینده نه فقط در دوره نمایندگی، بلکه پس از انقضای آن نیز به سبب اظهارات و آرای که در مقام ایفای وظیفه مطرح کرده است، مصون از تعقیب شناخته می‌شود.

به نظر می‌رسد دلیل انحصار اصل تعرض ناپذیری به دوره نمایندگی پارلمان آن است که منع تعقیب و توقیف نماینده به جهت اعمال «غیر مرتبط و خارج از حدود وظایف نمایندگی» اگر بر پایه استدلالهایی همچون لزوم جریان فعالیتهای پارلمانی، تأمین استقلال نهاد قانونگذاری و غیره قابل توجیه باشد، با زوال سبب، موجبی برای مسئول شناخته نشدن همیشگی نماینده بر جای نمی‌ماند.

دوم - شخصی بودن

در مورد افراد مشمول اصل عدم تعرض این بحث مطرح می‌شود که آیا مصونیت پارلمانی به معنای اخص فقط شامل شخص نماینده است یا اینکه علاوه بر او، شامل کسان و مسکن وی نیز می‌گردد؟ به این پرسش از دو منظر می‌توان پاسخ گفت. اول آنکه حکم عام قانون در حق تمام افراد و به طور یکسان قابل اجرا است و جز به موجب نص خاص، امکان بهره‌مندی سایر افراد از مصونیت فراهم نیست و همچنین تا زمانی که به موجب قانون، مسکن نماینده از بازرسی مستثنا نشده باشد، تفتیش آن با ممنوعیتی مواجه نخواهد بود و لذا مشمول اصل عدم تعرض نمی‌باشد. نظر دیگر این است که اگر اصل تعرض ناپذیری را واجد «وصف



شخصی» بدانیم، مسکن وی را نمی‌توان فاقد مصونیت دانست؛ زیرا اگر مسکن نماینده دارای مصونیت نباشد ممکن است در معرض بازرسی قرار گیرد و در نتیجه به فعالیت پارلمانی او لطمه وارد شود و مثلاً اسناد و اوراقی که نماینده علیه برخی مقامهای دولتی گردآوری کرده است معیوب یا معدوم و یا آزادی عمل او مختل گردد. لذا جز در موارد استثنایی، همچون جمع آوری دلایل علیه شخص ثالث و یا دستگیری و جلب متهم ثالث به موجب قانون، مصونیت مسکن جزء لایتجزای مصونیت شخص نماینده است. این تفسیر موسع، کاملاً منطقی و قابل قبول به نظر می‌رسد. در گذشته، حقوقدانان کشور ما بر همین اساس و از فحوای اصل دوازدهم قانون اساسی مشروطه که اصل تعرض ناپذیری را پذیرفته بود، مصونیت پارلمانی را شامل محل سکونت نمایندگان می‌دانستند. استدلال آنها این گونه بود که قید «به هیچ عنوان» و «به هیچ دستاویز» در اصل ۱۲ ق. ا. مبنی بر عدم امکان تعرض به نمایندگان، بسیار عام بوده، محل سکونت نماینده در دوره نمایندگی را در برمی‌گیرد [۲۲، ص ۱۲۷]. در سایر کشورها نیز نصوص و سوابقی در این زمینه وجود دارد. طبق بند ۱۰۳ قانون تحقیقات جنایی پیشین آلمان، بازرسی خانه نماینده رایشتاگ اگر به قصد یافتن متهم و یا مجرمی غیر از خود نماینده و یا برای کشف اسناد و مدارکی علیه شخص ثالث صورت گرفته باشد حتماً مجاز است، ولی بازرسی منزل نماینده رایشتاگ برای یافتن مدارک و اسنادی علیه خود او مجاز نیست. قانون اساسی فرانسه در این مورد ساکت است، اما حقوقدانان این کشور از جمله ژ. لافاریر^۱ و پیر اوژن^۲ معتقدند که مصونیت پارلمانی شامل خانه نماینده مجلس نمی‌شود و سوابق موجود در رویه قضایی فرانسه هم مؤید این معنا است. در سال ۱۹۴۸ خانه یکی از نمایندگان مجلس فرانسه از طرف مأموران مالیه بازرسی شد، لکن مسأله نقض مصونیت پارلمانی در مجلس فرانسه مطرح نگردیده و هیچ نماینده‌ای نسبت به عمل بازرسی اعتراض نکرد [۶۴، صص ۴۸-۴۷].

سوم - نسبی بودن یا استثنا پذیری

بر خلاف اصل عدم مسئولیت که از ویژگی اطلاق برخوردار است و موجب مصونیت مطلق یا عدم امکان تعقیب و توقیف اعضای پارلمان می‌شود، اصل تعرض ناپذیری حاکی از وصفی نسبی است. منظور از این وصف آن است که اصولاً مطلق افعال غیر مرتبط با وظایف نمایندگی مشمول اصل تعرض ناپذیری نیست و در هر کشوری که این اصل پذیرفته شده



1. J. Laferrère
2. Pierre Eugène

است، امکان یا عدم امکان تعقیب نماینده حسب مورد تغییر می‌یابد. لذا در برخی کشورها مصونیت نماینده در قبال جرائم مشخصی تضمین گردیده و جز با اجازه پارلمان مربوط، امکان تعقیب یا توقیف وی ممکن نیست، ولی در مقابل سایر جرائم و تخلفات ارتكابی، نماینده فاقد مصونیت است. در عموم کشورها نیز امکان دستگیری و توقیف نماینده به سبب ارتكاب جرم مشهود وجود دارد، بی آنکه در این زمینه به کسب اجازه پارلمان نیازی باشد. به این دلیل، جرم مشهود از شمول اصل تعرض ناپذیری مستثنا است [۱۶۷]. در تشریح گستره اصل مذکور، به این مطلب خواهیم پرداخت.

۸- رویکرد کشورها نسبت به پذیرش صور مصونیت پارلمانی

تا اینجا به تفصیل از محتوای هر یک از صور مصونیت پارلمانی، آثار، اوصاف و دامنه آنها بحث گردید. اکنون تلاش می‌شود رویکرد تفریدی یا تلفیقی تعدادی از کشورهای جهان در پذیرش این صور بررسی شود.

۸-۱- رویکرد تفریدی

در برخی کشورها، نمایندگان فقط مشمول یکی از صور مصونیت پارلمانی هستند. در این کشورها قانونگذار با جمع شرایطی، یا نمایندگان را در برابر اظهارات و آرا حمایت کرده، یا آنها را به سبب افعالی که در خارج از پارلمان انجام می‌دهند، از تعرض مقامهای قانونی مصون دانسته است.

در رویکرد تفریدی، از میان دو صورت مصونیت پارلمانی، صورت نخست (اصل عدم مسئولیت) بیشتر مورد توجه بوده است. دلیل این گرایش غالب، به ماهیت منصب نمایندگی و لزوم تضمین آزادی و استقلال نمایندگان در اظهار نظر بازمی‌گردد. در کنار واقعیت موجود در قوانین اساسی مبنی بر تعیین اصل عدم مسئولیت، گاه استدلال می‌شود که چون مصونیت نمایندگان این شائبه را با خود به همراه دارد که بر خلاف اصول قانونی و جزایی است، پس باید به قدر متیقن بسنده نمود و از آنجا که نخستین و ضروری‌ترین حق نماینده، عدم مسئولیت وی در قبال گفته‌هاست، لذا شناسایی این حق بر هر موضوعی رجحان دارد [۶۸].

در کشور کانادا استدلال می‌شود که اگر حقوق عمومی به شکل کامل در حق همه شهروندان اعمال شود، حقوق نمایندگان در آن چارچوب حفظ خواهد شد و از این رو نیازی به برقراری مصونیت جدیدی تحت لوای اصل تعرض ناپذیری نیست. در این کشور با آنکه



رویه قضایی بر لزوم رعایت تشریفات ویژه در تعقیب و توقیف نمایندگان تأکید دارد، ولی مقررات صریحی در این زمینه وضع نشده است [۶۹]. در حال حاضر، ایران نیز با پذیرش اصل عدم مسئولیت به طور منفرد، بهره‌مند از رویکردی تفریدی است.

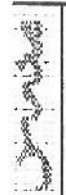
۸-۲- رویکرد تلفیقی

اکثریت قریب به اتفاق کشورهای که مصونیت پارلمانی را پذیرفته‌اند، هر دو صورت مصونیت را برای نمایندگان ضروری دانسته‌اند. استدلال قانونگذار این کشورها در پذیرش رویکرد تلفیقی آن است که شکل کامل مصونیت فقط در قالب جمع دو صورت حاصل می‌شود و این دو مکمل یکدیگرند.

دولتهای عضو اتحادیه اروپایی، عموماً دوگانگی مصونیت را طبق قانون اساسی یا سایر قوانین عادی به رسمیت شناخته‌اند. نام تعدادی از این کشورها عبارت است از: اتریش، آلمان، اسپانیا، انگلستان، ایتالیا، ایرلند، بلژیک، پرتغال، دانمارک، سوئد، فرانسه، فنلاند، لوکزامبورگ، هلند و یونان. در موارد ۱۴ و ۱۵ موافقتنامه عمومی امتیازات و مصونیت‌های [دولتهای عضو] شورای اروپایی و پروتکل الحاقی آن نیز بر دوگانگی صیانت از نمایندگان مجلس پارلمانی تصریح شده است. در پارلمان اروپایی و سایر پارلمانهای فراملی هم مقرراتی در این زمینه وضع گردیده است [۷۰].

۸-۳- رویکرد ایران در ارتباط با صور مصونیت پارلمانی

در بررسی رژیم حقوقی حاکم بر مصونیت پارلمانی در ایران، دو دوره پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن را به طور متمایز باید مورد بررسی قرار داد. در دوره نخست، هر دو صورت مصونیت پارلمانی به شکل کامل مورد قبول بوده است؛ در حالی که در دوره دوم، به دلیل مخالفت‌هایی که از سوی بعضی از اعضای خبرگان قانون اساسی یا تعرض ناپذیری نمایندگان در قبال جرائم ارتكابی صورت پذیرفت، فقط اصل عدم مسئولیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی پذیرفته شد. لذا نمایندگان مجلس شورای اسلامی تا همین حد بهره‌مند از مصونیت می‌باشند.



۸-۳-۱- رویکرد پیش از انقلاب، بر مبنای قانون اساسی مشروطه

پیش از انقلاب اسلامی ایران، مصونیت پارلمانی نمایندگان در دو صورت خود، به وسیله قانون اساسی مشروطه و آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی پذیرفته شده بود. اصل دوازدهم قانون اساسی در اثبات عدم تعرض اشعار می‌داشت: «به هیچ عنوان و به هیچ دستاویز، کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود. اگر احیاناً یکی از اعضا علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد، باز باید اجرای سیاست درباره او با استحضار مجلس باشد». جزئیات این نوع از مصونیت در نظامنامه داخلی مجلس مطرح گردیده بود. به موجب ماده ۱۷۵ آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی سابق، اگر نماینده‌ای در حین ارتکاب جنایت در خارج از محوطه مجلس دستگیر می‌شد، نظر به اصل دوازدهم قانون اساسی، متهم بایست فوراً به مجلس اعزام می‌گردید. در این مورد، گزارش جریان واقعه در اولین جلسه علنی مجلس قرائت و بدون مباحثه به کمیسیون قوانین دادگستری ارجاع می‌شد. این حکم، نسبت به نماینده‌ای که در محوطه مجلس شورای ملی در حین ارتکاب جنایت به امر رئیس مجلس دستگیر می‌شد نیز قابل اعمال بوده است.

۹۱



دوره ۷، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۲

در ماده ۱۷۶ این آیین نامه آمده بود: «در موارد جنایات... توقیف متهم [در موارد مصرح] به حکم رئیس مجلس به عمل خواهد آمد و ادامه توقیف یا استخلاص متهم، منوط به رأی کمیسیون قوانین دادگستری خواهد بود». در عمل، این کمیسیون در هر یک از موارد اتهام و یا توقیف، پس از وصول گزارش و پرونده امر مکلف بود هر تحقیق لازمی را برای روشن شدن موضوعی اتهام به عمل آورد و در اسرع وقت (حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ وصول گزارش) نظر خود را به مجلس شورای ملی تقدیم کند. این نظر، خواه مبنی بر برائت نماینده متهم و خواه مبنی بر مجرمیت وی، در جلسه علنی مجلس مطرح می‌شد و در این باب پس از ادای توضیحات شخص متهم که نباید از سی دقیقه تجاوز می‌کرد، فقط یک نماینده در موضع مخالف اتهام نماینده و یک نماینده در موضع موافق در ظرف زمانی سی دقیقه اظهار نظر می‌کردند. پس از خاتمه توضیحات نمایندگان موافق و مخالف، مجلس درباره اتهام نماینده اقدام به اتخاذ تصمیم می‌نمود. در صورتی که مجلس رأی بر برائت نماینده متهم می‌داد، رئیس مجلس برائت او را اعلام می‌کرد و هر گاه رأی بر تعقیب نماینده متهم داده می‌شد،



مصونیت پارلمانی از وی سلب و پرونده از طریق وزارت دادگستری برای رسیدگی به دادگاه صلاحیتدار ارجاع می‌گردد [۷۱].

باید اذعان داشت که تشریفات تعقیب و مقررات راجع به تضمین اصل تعرض ناپذیری در ادوار مختلف مجلس - با اختلاف جزئی - به نحو مبسوطی در آیین نامه‌های داخلی مجلس ذکر شده است و این مسأله حاکی از اهتمام شایسته قانونگذار پیشین به اهمیت موضوع است.

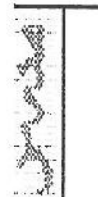
در مورد اصل عدم مسئولیت، طبق ماده ۱۸۹ آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی، نمایندگان در قبال اظهاراتی که در جلسات یا کمیسیونها مطرح می‌کردند یا رأیی که می‌دادند، غیر قابل تعقیب و بهره‌مند از مصونیت بوده‌اند.

بدین گونه در گذشته، اصل عدم مسئولیت و اصل تعرض ناپذیری نمایندگان به رسمیت شناخته شده و کمر بند حفاظتی محکمی برای نمایندگان پدید آمده بود.

۸- ۳- ۲- رویکرد پس از انقلاب، بر مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی

پس از انقلاب اسلامی، نوع اول مصونیت، یعنی عدم مسئولیت نمایندگان در قبال اظهارات خود پذیرفته شد؛ اما نوع دوم مصونیت که ناظر بر تعرض ناپذیری نمایندگان است، با آنکه در طرح نخستین اصل بیان گردیده بود، به دلیل مخالفت تعدادی از اعضای خبرگان قانون اساسی مورد تصویب نهایی قرار نگرفت و مردود اعلام گردید. لذا فقط عدم مسئولیت نمایندگان در قالب اصل ۸۶ ق. ا. ج. ا. به تصویب رسید.

به دلیل عدم پذیرش اصل تعرض ناپذیری و فقد نص قانونی خاص، تعقیب نمایندگان مجلس شورای اسلامی و کیفر آنان به استناد تساوی اشخاص در مقابل قانون، در صورت ارتکاب جرم ظاهراً بدون اشکال است. در همین ارتباط، اداره حقوقی وزارت دادگستری در نظریه مشورتی شماره ۷/۵۶۱۳ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۱۰ اظهار کرده است: «با توجه به اصل ۸۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظریاتی که در مجلس ابراز نموده‌اند یا آراییی که داده‌اند تعقیب نمود، و مصونیت پارلمانی آنان در این حدود است و مصونیت دیگری برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی و قوانین دیگر پیش‌بینی نشده است. بنابراین چه قبل از انتخاب به سمت نمایندگی چه بعد از آن، مانند عموم مردم تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات عمومی هستند».



براین اساس، بر خلاف اغلب کشورها، در ایران به رعایت تشریفات خاصی در تعقیب یا توقیف نمایندگان مجلس نیاز نیست و ایشان در صورت ارتکاب هر عمل مجرمانه از طریق رسیدگیهای عمومی، مانند اشخاص عادی قابل پیگرد می‌باشند. تنها به اعتبار سمت اداری - اجتماعی و وضعیت خاص شخص نمایندگان، صلاحیت مراجع کیفری رسیدگی کننده به اتهامات آنان، نسبت به سایر افراد، به شکل متمایزی تعیین گردیده است. دراین زمینه، به موجب تبصره ماده ۱۴ اصلاحی ق. ا. ق. ت. د. ع. ا. رسیدگی به کلیه اتهامات نمایندگان مجلس شورای اسلامی در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران است. درگذشته نیز مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۲۹ رسیدگی به جرائم نمایندگان مجلس شورای اسلامی را در صلاحیت مراجع کیفری پایتخت قرار داده بود.

به طور کلی، قانونگذار ایران پس از انقلاب، بر تحدید هرچه بیشتر دامنه مصونیت پارلمانی نمایندگان نظر داشته است و این رویکرد نوین در مقایسه با رویکرد پیشین، صیانت از کلیت نهاد قانونگذاری را با موانع بسیاری مواجه کرده است

۹- نتایج و پیشنهادها

مهمترین ثمره بحث، اذعان بر این واقعیت است که با در نظر داشتن آموزه‌های مختلف موجود، مفهوم پارلمان در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با مفهوم واقعی پارلمان در نظامهای دموکراتیک متفاوت می‌باشد. به دلیل موانع و محدودیتهای فراوانی که همواره بر سر راه ایفای مطلوب وظایف پارلمانی برای نمایندگان ایجاد شده است، عملاً در ایران و در مقایسه با رژیمهای پارلمانی غرب فقط «سمایی» به نام مجلس را دارا می‌باشیم. از همین رو، تا زمانی که اساس این نهاد با چالش روبه‌رو است، مقتضیات لاینفک آن نیز با مانع جدی مواجهند. علی‌رغم این واقعیت، باید پذیرفت که امروزه مخالفان اصل مصونیت پارلمانی از شناخت مبانی نظری استواری که به شکل مستدلی در مقام تبیین و توجیه فلسفه وجودی این اصل ارائه گردیده‌اند، بازمانده‌اند. این در حالی است که بر پایه همین مبانی و اندیشه‌های نظری واقع بینانه، نظام حقوقی هر کشوری بر لزوم صیانت و حمایت از نهاد پارلمان و اعضای آن واقف گردیده است. لذا شیوه و عمق رویکرد کشورها نسبت به مصونیت پارلمانی، تابع میزان اثر پذیری آنها از مبانی مذکور است. مهمترین مبانی نظری پذیرفته شده در غرب، تبیین فلسفه وجودی مصونیت پارلمانی بر اساس «دکترین ضرورت» است. لکن طبق واقعیات موجود، چنین اقبال و پذیرشی در نظام قضایی و قانونی کشور



مشاهده نمی‌شود. در ایران، رویکرد قانونگذار اسلامی درخصوص انحصار دامنه مصونیت نمایندگان فقط در قبال اقوال و خروج موضوعی افعال از این چارچوب و نیز وارد ساختن محدودیتها و استثنائات بسیار، نشانگر موضعی متمایز از اغلب کشورها است. این موضع نسبت به گذشته، شکل محدودی به خود گرفته است.

ایران عمده‌ای که متوجه استدلال مخالفان مصونیت پارلمانی است بیشتر راجع به اظهار نظرهای یک سونگرانه آنها است که بدون بررسی و تحلیل دلایل موافقان انجام می‌پذیرد. ارائه یک نظر کلی، با فقد آگاهی نسبت به یک مقوله قطعاً ناصواب خواهد بود. با نگاهی به نحوه استدلال مخالفان به سادگی درمی‌یابیم که ایشان کمترین شناختی از ماهیت حقوقی، مبانی نظری و مبانی قانونی اصل مصونیت پارلمانی نداشته و منطقاً هیچ استدلال صحیحی مطرح نکرده‌اند. برای نمونه، شورای نگهبان صرفاً با اکتفا و اقتصار بر سوابق فقهی، بر «غیر شرعی» بودن اصل مصونیت پارلمانی نظر داده است. معتقدیم که تأسیس مصونیت پارلمانی از «مستحدثات عقلیه» است و با خروج از موضع جمود فکری به راحتی می‌توان به شکل اثباتی بر لزوم پذیرش آن صحنه نهاد. جای بسی شگفتی است که اصل نهاد پارلمان که به اقتباس از غرب در حکومت اسلامی بنیان نهاده شده است، مشروع و قابل قبول انگاشته می‌شود، حال که لوازم و مقتضیات ذاتی آن، وصفی غربی به خود گرفته و تحت لوای این نظر، مردود و نامشروع اعلام می‌گردد. در اینجا است که نقش فقه پویا و فرایند اجتهاد سیال در هماهنگی با تغییرات و تحولات راجع به بستر زمان و مکان آشکار می‌شود.

نتیجه مهم دیگری که در ضمن مباحث مطرح گردید، تأکید بر این مطلب است که شناسایی امتیاز مصونیت پارلمانی به عنوان یک حق قانونی، هیچگاه به معنای معافیت کلی نماینده از تعقیب و کیفر نیست؛ بلکه در این زمینه، بحث نظام‌مندی فرایند قضایی و رعایت تشریفات دادرسی ویژه در خصوص نماینده مطرح است که از سوی اغلب کشورهای جهان نیز پذیرفته شده است.

همچنین بر خلاف نظر آنانی که از جهات مختلف در مقام محدود ساختن دامنه عدم مسئولیت نمایندگان، مصرح در اصل ۸۶ قانون اساسی بر آمده‌اند باید گفت که «اصل بر اطلاق» است و استثنا در جایی است که به موجب نص قانونی، تصریحی صورت پذیرفته باشد و چنین استثنایی مشاهده نمی‌شود. در ضمن، اگر نظر قانونگذار بر تحدید دامنه مصونیت پارلمانی تعلق می‌یافت، بایست آن را در جریان تنصیص اصول مربوط، به صراحت اعلام می‌داشت و موارد مستثنا را تعیین می‌نمود. این خط مشی در برخی از کشورها همچون



آلمان و مراکش دنبال گردیده است؛ ولی در ایران با توجه به عدم وجود این تصریح، وارد ساختن هر گونه محدودیت یا استثنای متعاقب، منطقیاً ناصواب بوده، با موازین حقوقی و قانونی ناسازگار خواهد بود. هر گونه تفسیر مغایری در خصوص اصل ۸۷ قانون اساسی نیز - که از اصول فاقد هر گونه ابهام و اجمال است - بی گمان ناروا خواهد بود.

اما در خصوص راهکار رفع کاستیها و شبهه زدایی از اصل مسلم مصونیت پارلمانی به نظر می رسد که مجلس شورای اسلامی باید در ضمن آیین نامه داخلی مجلس و در ادوار مختلف به گونه‌ای جامع و روشن، ابعاد موضوع را تبیین و تعیین نماید. این اقدام، مانع از اعمال نظره‌ای نسنجیده و غیر منطقی بعدی خواهد گردید شایان ذکر است که در جریان مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در پی مخالفت‌های چندی که با طرح تصویب اصل ۷۱ نخستین (۸۶ فعلی) صورت پذیرفت، عده‌ای ابراز امیدواری کرده‌اند که در تنظیم آیین نامه داخلی مجلس جوانب مصونیت پارلمانی به شکلی شایسته و بایسته مورد لحاظ واقع گردد؛ اما این آرمان، هنوز تحقق نیافته است.

در مجموع، توجه به مطالب مذکور سبب خواهد شد که ثبات و استقلال نهاد تقنینی کشور و اعضای آن تضمین شود و از میزان پیامدهای بی مهری نسبت به اصل مصونیت پارلمانی کاسته شود. این اهتمام ویژه، نوید بخش آینده درخشانی در مسیر اعتلای روز افزون کشور است.

۱۰- منابع

- [۱] دهخدا، ع. ا.، لغت نامه دهخدا، دوره جدید، ج ۱۴، چ ۲، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- [۲] معین، م.، فرهنگ معین، ج ۴، چ ۵، انتشارات امیر کبیر: تهران، ۱۳۶۲.
- [3] Desport, F., Le Guennec, F., *Le Nouveau Droit Pénal*, 1st éd., Vol. 1, No. 706, Economica, 1994.
- [۴] آیت اله زاده شیرازی، م.، و آذرنوش، آ.، مجمع اللغات (فرهنگ مصطلحات به چهار زبان)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی: تهران، ۱۳۷۴.
- [5] Von Der Hulst, M., *The Parliamentary Mandate, Inter - Parliamentary Union*, Geneva, 2000.
- [۶] قاضی شریعت پناهی، ا.، بایسته‌های حقوق اساسی، نشر دادگستر: تهران، ۱۳۷۵.



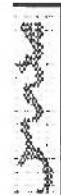
- [۷] الفیلی، م. ح.، «تعیین قاعده التاخبین من بین الدستور و القوانين»، *مجلة الحقوق، کلیه الحقوق، جامعه الكويت*، ۱۹۹۹.
- [۸] ابراهیمی، ق.، «مصونیت پارلمانی از نگاه فقه»، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت علیهم السلام، س. ۸، ۱۳۸۱، ش. ۳۰.
- [9] Kölz, A., *Parlamentarische Immunität gemäs Art. 162 BV*, Beilrag Zum Statsrechtlichen Seminar 2002/3.
- [۱۰] نظرات حقوقدانان کشور در خصوص مصونیت پارلمانی نمایندگان، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی: تهران، ۱۳۸۰.
- [11] Yardley, DCM, *Introduction to British Constitutional Law*, 7th ed., London, Dublin, Edinburgh, 1990.
- [12] <http://www.iran-emrooz.de/maqaal/parlem801101.html>
- [۱۳] هاشمی، م.، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۲، چ ۳، نشر دادگستر: تهران، ۱۳۷۷.
- [14] McGee, S., *Rules on Parliamentary Immunity in the European parliament and the Member States of the European Union (Final Draft)*. Belgium, Toornstra (Publisher), Spring 2001.
- [15] <http://www.parl.gc.ca/infoparl/english/19n4-96-e>
- [16] Jendral, H., *Immunität, non Zeitgemäss? Kritisch Untersuchung eines immerwährenden Privileges des Parlaments*, Frankfurt am Main, 1993.
- [17] Calvert, H., *An Introduction to British Constitutional Law*, 1st ed., Financial Training Publications: London, 1985.
- [18] <http://www.ho20.thinkquest.hostcenter.ch/seiten/gestgeschichte.htrn,besuchtam12.12.2002>
- [19] De Vabres, D., *Droit Penal*, 3e éd., Sirey, 1974.
- [۲۰] منصور السلطنه، م.، *حقوق اساسی یا اصول مشروطیت و شرح قانون اساسی*، مطبعة فاروس: تهران، ۱۳۲۸.
- [۲۱] مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه (اول، دوم، سوم و چهارم)، مطبعة مجلس، بی تا.
- [۲۲] انصاری، م.، *مصونیت‌های قانونی*، چ ۲، انتشارات اشراقی: تهران، ۱۳۵۲.



- [۲۳] عمید زنجانی، ع.، *فقه سیاسی*، ج ۱، چ ۳، انتشارات امیر کبیر: تهران، ۱۳۷۳.
- [۲۴] صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، چ ۱، دبیرخانه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی: تهران، ۱۳۶۴.
- [۲۵] باهری، م.، و داور، ع.، *ا.، تکرشی بر حقوق جزای عمومی، مقارنه و تطبیق از: رضا شکری، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد: تهران، ۱۳۸۰.*
- [۲۶] استفانی، گ.، لواسور، ژ. و بولوک، ب.، *حقوق جزای عمومی*، چ ۲، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی: تهران، ۱۳۷۷.
- [۲۷] آشوری، م.، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۱، چ ۲، انتشارات سمت: تهران، ۱۳۷۶.
- [۲۸] آخوندی، م.، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۱، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: تهران، ۱۳۶۸.
- [۲۹] خزانی، م.، *فرایند کیفری (مجموعه مقالات)*، انتشارات گنج دانش: تهران، ۱۳۷۷.
- [۳۰] مدنی، ج.، *آیین دادرسی کیفری (۱ و ۲)*، انتشارات پایدار: تهران، ۱۳۷۸.
- [31] Bulletin Criminel, crime, 9 Oct. 1978, No. 262, Paris.
- [32] <http://www.lebvote.com/lebvote/english/thebylawsn/parliament>
- [33] Bonsaint, M., «Parliamentary privileges», *Canadian Parliamentary Review*, Vol. 19, No. 4, Published by the Canadian Region of the Commonwealth Parliamentary Association, Winter 1996 - 97.
- [34] Samaha, J., *Criminal Procedure*, 3rd ed., West Publishing Company: USA, 1996.
- [۳۵] خزانی، م.، *فرایند کیفری (مجموعه مقالات)*، انتشارات گنج دانش: تهران، ۱۳۷۷.
- [36] <http://www.alfa.nic.in/rs/pamp/p11.html>
- [37] <http://www.venus.ci.uw.edu.pl/~rubikon/forum/rasaleg.html>
- [38] Robert Gauthuier, J., «Parliamentary privileges», *Canadian Parliamentary Review*, Vol. 16, Summer 1993, No. 2.
- [39] <http://www.parl.gc.ca/infopar/english/16n2-93-c>
- [40] <http://www.rajyasabha.nic.in/rajya/19/94/i5/94150901.html>
- [41] <http://www.aph.gov.au/au/house/info/factsht/fso5.html>



- [42] <http://www.isnagency.com/news/newscontent.asp?id=96016&lang-p>
- [43] <http://www.nt.gov.au/lant/pub/ip7/shtml>
- [44] Senate Committee of Privileges, 76th Report, Parliamentary Privileges, Precedents, Procedure and Practice in the Australia Senate 1966 – 1999.
- [45] <http://www.vedamsbooks.com/no10196>
- [46] <http://www.cdep.ro/pls/dic/cd/show?opage=atworked-2>
- [۴۷] کاتوزیان، ن.، میان‌ی حقوقی عمومی، نشر دادگستر: تهران، ۱۳۷۰
- [۴۸] مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، ش ۶، دی ماه ۱۳۸۰.
- [۴۹] امامی، ح.، حقوق مدنی، ج ۴، چ ۶، چاپخانه اسلامی: تهران، ۱۳۵۶.
- [50] Keenan, D., *Smith & Keenan's English Law*, thirteen ed., Longman, London, 2001.
- [۵۱] صفار، م. ج.، شخصیت حقوقی، نشر دانا: تهران، ۱۳۷۳.
- [۵۲] نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مشرقین: قم، ۱۳۷۹.
- [53] Myttenaere, R., *Report on Parliamentary Privileges*, Adopted at the Moscow Session, Belgium, Sep. 1998.
- [54] <http://www.undp-pogar.org/publications/legislature/harbl/section2d.html>
- [55] <http://www.bu.edu/iscip/vol.10/sadchikov>
- [56] <http://www.ipu.org.english/membshp>
- [57] <http://www.ipu.org/english/whatipu>
- [58] <http://www.eduskunta.fi/efakta/ipu/main>
- [59] <http://www.ipu.org>
- [60] <http://www.ipu.org/strect-e/statutes>
- [61] <http://www.ecprd.org>
- [۶۲] روزنامه حیات نو، س ۲، پنجشنبه، ۲۷ دی ماه ۱۳۸۰، ش ۴۹۳.
- [63] <http://www.ecprd.org/doc/publica/oth/rulesparlimmu>



- [۶۴] دادفر، ح.، «مصونیت پارلمانی»، مجله کانون، وکلا، س ۵، مرداد و شهریور ۱۳۳۲، ش ۳.
- [۶۵] قاسم زاده، ق.، حقوق اساسی فرانسه. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران: تهران، ۱۳۳۶.
- [66] Prélôt, M., Boulouis, J., *Institutions Politiques et Droit Constitutionnel*, Précis Dalloz, onzieme édition. 1990.
- [۶۷] میر محمد صادقی، ح.، حقوق جزای اختصاصی (۳)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان: تهران، ۱۳۸۰.
- [68] Council of Europe, Immunities of members of the parliamentary assembly, Doc. 9718, revised 25 March 2003.
- [69] http://www.lexum.umontreal.ca/esc_sec/en/pub/1993/vol_1/html
- [70] http://www.canlii.org/ca/sta/p_1/sec7.html
- [71] <http://www.ecprd.org/doc/publica/oth/rulesparllummu>

